



رسالة

احكام جوانان

(پسران)

مطابق با فتاویٰ

حضرت آیت اللہ العظمیٰ مکارم شیرازی

تمیہ و تنظیم: مسعود مکارم



فهرستتویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

رساله احکام جوانان (پسران) / مسعود مکارم. - قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۷. ق. = ۱۴۲۹. ق.

ISBN: 978-964-533-058-1

ص ۱۷۶

فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. فقه جعفری - رساله عملیه - ادبیات جوانان.

الف. انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۴۲۲

BP ۱۸۲/۹ / م ۷ ر ۵۰۱۵

ناشر برتر

نوزدهمین نمایندگانه بین المللی کتاب تهران

رساله احکام جوانان (پسران)

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

تهیه و تنظیم: مسعود مکارم

تیراژ: ۵/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوازدهم

تعداد صفحات و قطع: ۱۷۶ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹

چاپ: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۵۸-۱



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۷۷۲۲۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

رسالة احكام جوانان (پسران)

مطابق با فتاوی

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

تهیه و تنظیم: مسعود مکارم

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

رساله احکام جوانان (پسران) / مسعود مکارم. - قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۹ ق. = ۱۳۸۷.

ISBN: 978-964-533-058-1

۱۷۶ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. فقه جعفری -- رساله عملیه -- ادبیات جوانان.

الف. انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع). ب. عنوان.

۲۹۷/۳۴۲۲

BP ۱۸۳/۹ / م ۷ ر ۵۰۱۵

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

رساله احکام جوانان (پسران)

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

تهیه و تنظیم: مسعود مکارم

تیراژ: ۱۰/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

تعداد صفحات و قطع: ۱۷۶ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷

چاپ: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۵۸-۱



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۳۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

علیٰ ابن رسالہ مجزی مبری

ذمہ است انشاء اللہ

تم - ناصر کمار تم ان



فهرست مطالب

| | | | |
|----|-------------------------------|----------------------------|---------------------------------|
| ۲۶ | اقسام آب مطلق..... | ۹ | پیشگفتار..... |
| | چگونه چیزهای نجس را آب | ۱۰ | یادآوری..... |
| ۲۸ | بکشیم؟..... | فصل اول: تقلید / ۱۱ | |
| ۲۹ | زمین..... | ۱۱ | اصول و فروع دین..... |
| ۲۹ | آفتاب..... | ۱۵ | فلسفه تقلید..... |
| ۳۰ | اسلام..... | ۱۶ | تکلیف و مکلف..... |
| ۳۱ | برطرف شدن عین نجاست..... | ۱۶ | بلوغ و نشانه‌های آن..... |
| | فصل سوم: وضو / ۳۳ | ۱۷ | مرجع تقلید و شرایط آن..... |
| | چیزهایی که باید برای آنها وضو | ۱۹ | دستورات خداوند..... |
| ۳۴ | گرفت..... | | تفاوت احتیاط مستحب و احتیاط |
| ۳۵ | چگونه وضو بگیریم؟..... | ۲۰ | واجب..... |
| ۳۵ | توضیح اعمال وضو..... | فصل دوم: طهارت / ۲۱ | |
| ۳۷ | شرایط وضو..... | ۲۲ | ادرار و مدفوع..... |
| ۳۸ | توضیح شرایط وضو..... | ۲۳ | مردار..... |
| ۴۱ | احکام وضوی جبیره‌ای..... | ۲۴ | خون..... |
| ۴۴ | چگونه وضو باطل می‌شود؟..... | ۲۴ | سگ و خوک..... |
| ۴۴ | احکام تلاوت قرآن..... | ۲۵ | چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟..... |
| ۴۴ | لمس کردن خطوط قرآن..... | ۲۵ | مُطَهَّرَات (پاک‌کننده‌ها)..... |
| | | ۲۵ | احکام آبها..... |

| | | | |
|-----------------------------------|----|----------------------------------|----|
| احکام اذان و اقامه | ۷۰ | فصل چهارم: غسل / ۴۷ | |
| اعمال نماز..... | ۷۱ | شیوه غسل کردن..... | ۴۷ |
| واجبات نماز | ۷۱ | شرایط صحیح بودن غسل | ۴۸ |
| رکنهای نماز..... | ۷۱ | احکام غسل..... | ۴۹ |
| فرق بین رُکن و غیر رُکن | ۷۱ | غسلهای واجب | ۴۹ |
| احکام واجبات نماز..... | ۷۲ | غسل جنابت | ۴۹ |
| نیت..... | ۷۲ | کارهایی که بر جنب حرام است... .. | ۵۱ |
| تکبیره الإحرام..... | ۷۲ | غسل میّت..... | ۵۱ |
| قیام..... | ۷۳ | غسل مسّ میّت..... | ۵۲ |
| قرائت..... | ۷۴ | فصل پنجم: تیمّم / ۵۳ | |
| احکام قرائت | ۷۶ | دستور تیمّم | ۵۴ |
| رکوع | ۷۷ | چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح | |
| سجود | ۷۹ | است | ۵۵ |
| وظیفه کسی که نمی تواند بطور معمول | | احکام تیمّم..... | ۵۵ |
| سجده کند..... | ۸۱ | فصل ششم: نماز / ۵۷ | |
| سجده واجب قرآن..... | ۸۲ | اقسام نماز..... | ۵۸ |
| ترتیب | ۸۴ | وقت نمازهای روزانه | ۵۹ |
| مُوالات..... | ۸۴ | احکام وقت نماز..... | ۶۱ |
| قنوت..... | ۸۴ | قبله..... | ۶۲ |
| تعقیب نماز | ۸۵ | پوشاندن بدن در نماز | ۶۲ |
| مُبطّلات نماز..... | ۸۵ | مکان نمازگزار | ۶۴ |
| احکام مبطّلات نماز..... | ۸۶ | احکام مکان نمازگزار..... | ۶۵ |
| مواردی که شکستن نماز جایز | | احکام مسجد..... | ۶۶ |
| است | ۸۸ | آمادگی برای نماز..... | ۶۸ |
| مواردی که در نماز مکروه است ... | ۸۸ | اذان و اقامه..... | ۶۸ |

| | |
|---|-----------------------------------|
| شکّیات نماز ۸۹ | نمازهای مستحب ۱۰۹ |
| شک در کارهای نماز ۸۹ | نماز عید ۱۱۰ |
| شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند .. ۹۰ | وقت نماز عید ۱۱۰ |
| نماز احتیاط ۹۳ | چگونگی نماز عید ۱۱۰ |
| سجدهٔ سهو ۹۳ | نافله‌های شبانه‌روزی ۱۱۱ |
| نماز مسافر ۹۴ | نماز شب ۱۱۱ |
| وطن کجاست؟ ۹۶ | وقت نماز شب ۱۱۲ |
| قصد ده روز ۹۷ | نماز غُفیلَه ۱۱۲ |
| نماز قضا ۹۸ | کیفیت نماز غفیله ۱۱۳ |
| نماز قضای پدر و مادر ۹۹ | احکام سلام کردن ۱۱۳ |
| نماز جماعت ۱۰۰ | آداب سلام کردن ۱۱۴ |
| اهمّیت نماز جماعت ۱۰۱ | فصل هفتم: روزه / ۱۱۵ |
| شرایط نماز جماعت ۱۰۱ | نیت روزه ۱۱۶ |
| پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن) ۱۰۲ | مُبطلات روزه ۱۱۷ |
| احکام نماز جماعت ۱۰۴ | احکام مُبطلات روزه ۱۱۸ |
| نماز جمعه ۱۰۶ | خوردن و آشامیدن ۱۱۸ |
| چگونگی نماز جمعه ۱۰۶ | استمنا ۱۱۸ |
| شرایط نماز جمعه ۱۰۶ | تزریق آمپول ۱۱۹ |
| وظیفهٔ نمازگزاران جمعه ۱۰۷ | رساندن غبار غلیظ به حلق ۱۱۹ |
| نماز آیات ۱۰۷ | فرو بردن تمام سر در آب ۱۱۹ |
| چگونگی نماز آیات ۱۰۸ | قی کردن ۱۲۰ |
| رکعت اوّل ۱۰۸ | دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ و |
| رکعت دوم ۱۰۹ | امامان علیهم السلام ۱۲۰ |
| احکام نماز آیات ۱۰۹ | باقی ماندن بر جنابت تا اذان |
| | صبح ۱۲۰ |

| | | | |
|----------------------------------|-----|----------------------------------|-----|
| فصل پنزدهم: عَصَب / ۱۴۷ | ۱۲۱ | قضا و کفّارهٔ روزه | ۱۲۱ |
| فصل شانزدهم: | ۱۲۱ | قضای روزه | ۱۲۱ |
| اشیای گمشده / ۱۴۹ | ۱۲۱ | کفّارهٔ روزه | ۱۲۱ |
| عوض شدن کفش / ۱۵۰ | ۱۲۲ | احکام قضا و کفّارهٔ روزه | ۱۲۲ |
| فصل هفدهم: | ۱۲۳ | روزهٔ مسافر | ۱۲۳ |
| خوردن و آشامیدن / ۱۵۱ | ۱۲۴ | زکاتِ فطره | ۱۲۴ |
| آداب غذا خوردن / ۱۵۲ | ۱۲۴ | مقدار و جنس زکات فطره | ۱۲۴ |
| آداب آب نوشیدن / ۱۵۳ | | فصل هشتم: حُمس / ۱۲۵ | |
| فصل هجدهم: نذر و قسم / ۱۵۵ | ۱۲۶ | احکام خمس | ۱۲۶ |
| شرایط و احکام نذر / ۱۵۵ | ۱۲۷ | مصرف خمس | ۱۲۷ |
| احکام قسم / ۱۵۶ | | فصل نهم: زکات / ۱۲۹ | |
| فصل نوزدهم: | | فصل دهم: حج / ۱۳۱ | |
| امر به معروف و نهی از منکر / ۱۵۹ | ۱۳۳ | فصل یازدهم: خرید و فروش / ۱۳۳ | |
| فصل بیستم: مسائل متفرّقه / ۱۶۱ | ۱۳۵ | بهم زدن معامله (فسخ) / ۱۳۵ | |
| نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع | | فصل دوازدهم: قرض / ۱۳۷ | |
| عظیم الشان / ۱۷۱ | ۱۳۷ | اقسام قرض | ۱۳۷ |
| | ۱۳۷ | احکام قرض | ۱۳۷ |
| | | فصل سیزدهم: | |
| | | عاریه و امانتداری / ۱۳۹ | |
| | ۱۴۰ | احکام امانتداری | ۱۴۰ |
| | | فصل چهاردهم: | |
| | | احکام ازدواج / ۱۴۳ | |
| | ۱۴۴ | نگاه کردن | ۱۴۴ |
| | ۱۴۴ | مَحْرَم و نامَحْرَم | ۱۴۴ |
| | ۱۴۵ | نگاه به دیگران | ۱۴۵ |

منتشر

حمد و سپاس پروردگار جهانیان که به ما عقل و شعور داد تا با درک احکام و قوانین الهی به درگاه او تقرب جویم و صلوات و درود خداوند بر خاتم انبیا، محمد مصطفی ﷺ باد پیام آور رحمت که فرستاده خدا برای هدایت بشر و سعادت دنیا و آخرت است.

هر چند کتاب‌های متعددی در زمینه احکام جوانان چاپ و منتشر شده است اما اکثر این کتابها مسایل مورد نیاز جوانان و نوجوانان عزیز را به طور کامل بیان ننموده و در مواردی مطالبی دارد که نیاز فعلی آنان نمی‌باشد. لذا باخاطر احساس نیاز نسبت به تدوین احکام جامع جوانان، بر آن شدیم تا زیر نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) و بر طبق فتاوی معظّم له به این نیاز پاسخ دهیم.

جوانان عزیز! در این رساله سعی شده احکام واجب، حرام و غیر آن را که برای بسیاری از شما عزیزان مطرح است، به زبان ساده، روشن و دور از اصطلاحات پیچیده فقهی ذکر گردد، تا شما جوانان عزیز، که امیدهای امروز و آینده اجتماع ما هستید، بتوانید با مطالعه آن به وظایف دینی

خود آشنا شوید و آن را به کار ببندید.
موفقیت همه شما عزیزان را در انجام تکالیف دینی خود از خداوند
بزرگ خواهانیم.

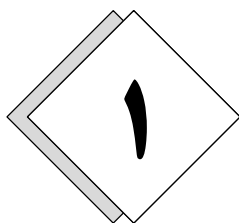
یادآوری

آنچه در این کتاب آمده، تمام مسایل احکام نیست بلکه قسمت هایی
از احکام شرعی است که در درجه اول نیاز نوجوانان و جوانان می باشد، در
صورت نیاز به مسایل دیگر می توانید به رساله توضیح المسائل معظم له
مراجعه نمایید.

از کلیه خوانندگان محترم به ویژه جوانان و نوجوانان گرامی صمیمانه
درخواست می کنیم ما را از نظرات و پیشنهادهای خویش بهره مند سازند
تا در چاپ های بعدی از آنها استفاده کنیم. در خاتمه از جناب مستطاب
حجة الاسلام والمسلمین آقای علیان نژادی (دامت افاضاته) که در تهیه این اثر
به ما کمک نمودند، تشکر و سپاسگزاری کرده و از خداوند متعال توفیق
بیشتر ایشان را خواستارم.

مسعود مکارم

تابستان ۱۳۸۷



تقدیم (پیروی از فقیه)

اصول و فروع دین

اثنین اسلام شامل سه بخش است: اصول دین، فروع دین و اخلاق. در واقع تعلیمات دینی همچون درختی است که اصول دین ریشه آن و فروع دین و برنامه‌های عملی، شاخ و برگها و اخلاق میوه این درخت برومند و پر برکت محسوب می‌شود.

الف) اصول دین؛ یعنی اساسی‌ترین عقاید اسلام که پایه و ریشه

مذهب بوده و شامل پنج اصل می‌باشد:

۱. توحید: اعتقاد به یگانگی خدا، خدایی که خالق جهان هستی است

و از همه چیز آگاه است و هست و نیست ما در دست اوست و بر هر کاری تواناست.

ایمان به او موجب احساس مسؤولیت، آرامش خاطر، دوری از گناه،

استقامت و پایداری و پیشرفت در زندگی است. پس باید در راه شناخت او کوشا باشیم، زیرا در هر لحظه از زندگی به او نیازمندیم و حامی و پشتیبان ماست.

۲. عدل: اعتقاد به اینکه خداوند نه حق کسی را از بین می‌برد و نه حق کسی را به دیگری می‌دهد نه ظلم می‌کند و نه در میان افراد تبعیض قائل می‌شود و او به تمام معنا عادل است، چرا که نیاز به هیچ چیز و هیچ کس ندارد.

اعتقاد به عدل و عدالت خداوند باعث دوری ما از ظلم و ستم و تبعیض و گسترش عدل و داد در جامعه انسانی می‌شود.

۳. نبوت: اعتقاد به اینکه خداوند برای هدایت و ارشاد انسانها راهنمایان و پیامبرانی را برانگیخته و به برخی از آنها کتاب آسمانی داده تا راه مستقیم سعادت را به افراد بشری بیاموزند و آنان را از بدی‌ها و زشتی‌ها بازداشته، در راه پرفراز و نشیب زندگی به آنها کمک کنند.

۴. امامت: اعتقاد به جانشینی امامان معصوم علیهم‌السلام بعد از پیامبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم برای رهبری جامعه اسلامی و پاسداری از عقاید و احکام در هر عصر و زمان به نمایندگی از طرف پیامبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم است.

امامان دوازده نفرند اول آنان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و آخرشان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است. او زنده است و از نظرها غائب است و روزی فرا می‌رسد که ظاهر شده و جهان را پر از عدل و داد می‌کند و حکومت واحدی در سراسر جهان بر پایه عدالت و صلح و امنیت تشکیل می‌دهد.

در زمان غیبت او، نیابت به صورت عام برای فقیهان جامع الشرائط است یعنی هر کس دارای علم و دانش کافی برای درک احکام اسلام از منابع دینی توأم با تقوی و عدالت بوده باشد، به عنوان نایب امام زمان (عج) و با شرایطی مرجع تقلید خواهد بود، و عهده‌دار تبیین و تبلیغ احکام اسلام می‌گردد.

۵. معاد: ایمان به روز رستاخیز و زنده شدن بعد از مرگ و اینکه مرگ پایان حیات انسانی نیست بلکه مرگ پل و واسطهٔ این دنیا با سرای آخرت است و انسانها پس از مردن بار دیگر زنده شده و در محکمهٔ عدل الهی حضور یافته و هر کس به جزای اعمال خود می‌رسد.

ایمان به معاد عامل تربیت انسانی است؛ به این ترتیب موج نیرومندی از احساس مسؤولیت در برابر هر کار در اعماق روح انسان ایجاد کرده تا او را در برابر انحراف و گمراهی، ظلم و تجاوز کنترل کند.



(ب) فروع دین؛ شامل دستورات و تکالیف عملی و احکامی است که از سوی خداوند به وسیلهٔ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت فرستاده شده است. مهم‌ترین این فروع عبارتند از:

۱. نماز، ۲. روزه، ۳. خمس، ۴. زکات، ۵. حج، ۶. جهاد، ۷. امر به معروف (دعوت به انجام کارهای خوب و نیک)، ۸. نهی از منکر (بازداشتن از انجام کارهای بد و ناپسند)، ۹. تَوَلَّى (دوستی با دوستان خدا)، ۱۰. تَبَرَّى (دشمنی با دشمنان خدا).

فروع دین بسیار زیاد است و هر شخصی نمی‌تواند آنها را از منابع آن مثل قرآن و احادیث و سایر ادله فقهی استخراج کند. بنابراین باید آنها را از دانشمندانی که سالها در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته و کوشش و «اجتهاد» فراوان نموده‌اند و در واقع متخصصان علوم دینی هستند، یاد گرفته و به آن عمل کنند، چنین دانشمندانی را در اصطلاح «فقیه» یا «مجتهد» می‌نامند؛ به پیروی کردن از مجتهد «تقلید» و کسی که از مجتهد تقلید می‌کند «مقلد» می‌گویند.

ج) اخلاق: بخش دیگری از تعلیمات اسلام، اخلاق است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث معروفی فرمود: من مبعوث شده‌ام تا فضائل اخلاقی را تکمیل کنم؛ منظور آن حضرت از فضایل اخلاقی، صفاتی مانند: امانت‌داری، درستکاری، شجاعت، راستگویی، وفاداری، پای‌بندی به تعهدات، احترام به بزرگترها بخصوص پدر و مادر، رعایت عدالت و مانند آن است. اخلاق فردی و اجتماعی سبب نجات بشر از مشکلات و پیشرفت در همه کارها و صفا و صمیمیت همه گروهها و صلح و امنیت در جامعه بشری است.

علمای اخلاق در کتاب‌های خود در این زمینه سخن بسیار گفته‌اند و شما می‌توانید با مطالعه کتاب‌های «زندگی در پرتو اخلاق»، «اخلاق در نهج‌البلاغه» و «اخلاق در قرآن» که هر سه از نوشته‌های حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) است، اطلاعات وسیعی درباره اخلاق اسلامی بدست آورید.

فلسفه تقلید:

شاید برخی از خود بپرسند که در عصر و زمان ما، که بشر در همه زمینه‌ها ترقی و پیشرفت خیره‌کننده‌ای داشته، و به ابزار و وسایل فوق‌العاده مدرن دست یافته، به گونه‌ای که به حق می‌توان این عصر را «عصر تحقیق و کنکاش و علم و دانش» لقب داد، آیا با همه این امور، تقلید در عصر و زمان ما امر مطلوبی است؟

آیا تقلید به معنای بسته نمودن دروازه‌های تحقیق به روی محققان نیست؟

آیا «پیروی چشم و گوش بسته» از دیگران، با روح آیات فراوانی از قرآن مجید، که انسان را به تفکر و اندیشه و مطالعه و تحقیق دعوت می‌کند، سازگاری دارد؟

برای روشن شدن پاسخ این سؤال توضیح کوتاهی پیرامون اقسام تقلید لازم است:

تقلید و پیروی از دیگران از چهار صورت خارج نیست:

(الف) تقلید جاهل از عالم؛ یعنی کسی که چیزی را نمی‌داند از متخصص و آگاه آن فن پیروی کند، همچون مراجعه بیمار ناآگاه از مسایل پزشکی، به پزشک آگاه و دلسوز.

(ب) تقلید عالم از عالمی دیگر؛ یعنی مراجعه اهل فن به یکدیگر، و پیروی بعضی از بعضی دیگر.

(ج) تقلید عالم از جاهل؛ بدین معنا که یک انسان آگاه، علم و دانش خود را رها نموده، و چشم و گوش بسته به دنبال جاهلان بیفتد!

د) تقلید جاهل از جاهل؛ که گروهی نادان، پیرو گروه نادان دیگری شوند.

روشن است که از این چهار قسم، تنها قسم اول منطقی و عاقلانه و مشروع است، و نه تنها در عصر تحقیق و علم و دانش، از آن بی نیاز نیستیم، بلکه بخاطر گسترش فراوان علوم، نیاز به آن بیشتر احساس می‌شود. البته، سه قسم دیگر تقلید منطقی و مورد پذیرش اسلام نیست. و تقلید در احکام از قسم اول است.^۱

مسألة ۱- هیچ مسلمانی نمی‌تواند در اصول دین تقلید نماید بلکه باید آنها را از روی دلیل هر چند ساده و متناسب با حال خویش بداند و به آن یقین داشته باشد.

مسألة ۲- وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در همه احکام، اجتهاد کنند.

تکلیف و مکلف

ملاک انجام عبادات و تکالیف شرعی از نظر قرآن و روایات رسیدن به «بلوغ شرعی» و داشتن «عقل» است؛ بنابراین کسی که بالغ و عاقل باشد به حد «تکلیف» رسیده و شایستگی انجام دستورهای الهی و احکام اسلامی را دارد، به چنین کسی «مکلف» می‌گویند.

بلوغ و نشانه‌های آن

«بلوغ» به معنای رسیدن به سن خاصی است که انسان در آن سن

آمادگی انجام کار مورد نظر را دارد. البته «بلوغ» در همهٔ مسایل یکسان نیست؛ زیرا آمادگی برای هر کاری در سن و سال خاصی حاصل می‌شود. بنابراین، سن بلوغ در مسایل شرعی، با سن بلوغ در مسایل اجتماعی و سیاسی یکسان نیست، همان‌گونه که بلوغ جنسی با بلوغ اقتصادی (رسیدن به سنی که توانایی انجام امور اقتصادی و مالی را بطور مستقل داشته باشد) تفاوت دارد.

نتیجه این که هر چیزی «بلوغ» خاص خود را دارد، و ما نمی‌توانیم برای همه چیز فقط یک سن بلوغ تعیین کنیم.

مسألهٔ ۳- یکی از نشانه‌های بلوغ در پسران کامل شدن ۱۵ سال قمری و وارد شدن در ۱۶ سالگی است. سال شمسی ۱۱ روز بیشتر از سال قمری است. بنابراین با محاسبهٔ این تفاوت و در نظر گرفتن سال کیبسه، زمان بلوغ در پسران به سال شمسی حدوداً ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۸ روز می‌باشد. برای آگاهی بیشتر از دیگر نشانه‌های بلوغ به بخش محجورین رسالهٔ توضیح المسائل مراجعه کنید.

مسألهٔ ۴- درشت شدن صدا و رویدن موی درشت در صورت و پشت لب و مانند آن، دلیل بر بلوغ پسران نیست، مگر این‌که از این راه یقین به بالغ شدن حاصل شود.

مرجع تقلید و شرایط آن

مسألهٔ ۵- به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند «مرجع تقلید» می‌گویند.

مسألة ۶- مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند باید:

عادل، زنده، مرد، بالغ، شیعهٔ دوازده‌امامی و در مسایل اختلافی اعلم باشد.

مسألة ۷- کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود در مسایلی که به فتوای او عمل کرده می‌تواند به تقلید او باقی بماند و اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد باقی ماندن بر تقلید او واجب است.

مسألة ۸- اعلم کسی است که در استخراج احکام (از منابع آن) از مجتهدان دیگر استادتر باشد.

مسألة ۹- مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

الف) خود انسان یقین کند؛ مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

ب) گواهی دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند؛ به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفتهٔ آنان مخالفت نکنند.
ج) عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفتهٔ آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسألة ۱۰- راههای بدست آوردن فتوای مجتهد:

۱. شنیدن از خود مجتهد.
۲. شنیدن از دو نفر عادل.
۳. شنیدن از یک نفر مورد اعتماد که از گفتهٔ او اطمینان پیدا می‌شود.

۴. دیدن در رسالهٔ مجتهد که درستی آن مورد اطمینان باشد.

مسألهٔ ۱۱- اگر فتوای مجتهد در مسأله‌ای عوض شود، مقلد باید به

فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای قبلی جایز نیست.

مسألهٔ ۱۲- مسایلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است

یاد بگیرد.

دستورات خداوند

دستورهای عملی اسلام، که وظیفهٔ انسانها را، نسبت به کارهایی که

باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند مشخص می‌کند، «احکام» نام

دارد.

هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است،

احکامی که تکلیف ما را نسبت به کارها مشخص می‌کند پنج قسم است:

۱. واجب؛ کاری است که انجام آن لازم می‌باشد و ترک آن عذاب دارد؛

مانند نماز، روزه و

۲. حرام؛ کاری است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد؛ مانند

دروغ، ظلم و

۳. مستحب؛ به کاری گویند که انجامش نیکوست و ثواب دارد؛ ولی

ترک آن عذاب ندارد؛ مانند سلام کردن و صدقه دادن.

۴. مکروه؛ کاری است که ترک آن نیکو می‌باشد و ثواب دارد؛ ولی

انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.

۵. مباح؛ به کاری گویند که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی

دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن.

مسألة ۱۳- در زمان غیبت امام زمان (عج) دستور و تکالیف الهی را از مرجع تقلید یاد گرفته و به آن عمل می‌کنیم. به این دستور و نظر و رأی قطعی مرجع تقلید در احکام شرعی «فتوا» می‌گویید و مقلد باید در آن حکم به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

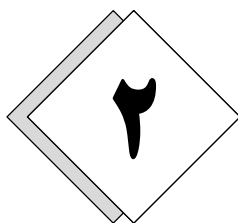
تفاوت احتیاط مستحب و احتیاط واجب

مسألة ۱۴- «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست؛ یعنی مجتهد در آن مسأله، علاوه بر اظهار نظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلد می‌تواند در آن مسأله، به فتوا و یا به احتیاط عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری رجوع کند؛ مانند این مسأله:

«ظرف نجس را اگر یک مرتبه در آب گُر بشویند پاک می‌شود، هرچند احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند».

«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلد باید به همان احتیاط عمل کند و می‌تواند به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسأله:

«احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد، سجده نکنند».



طهارت

اسلام دین پاک و پاکیزه‌ای است، و پاکیزگی را دوست دارد، و به آن سفارش نموده، و براساس آن احکام و قوانینش را تنظیم می‌کند. نظافت و پاکیزگی در این دین مقدّس، آن قدر ارزشمند و مهم است که در برخی روایات، به عنوان بخشی از ایمان از آن یاد شده است^۱؛ یعنی مسلمانی که طهارت و نجاست و نظافت را رعایت نمی‌کند ایمانش کامل نیست.

این دین پاک و مبرّأ از هرگونه تحریف و پیرایه، هم دستوراتی در زمینه نظافت فردی دارد، و هم سفارش به نظافت اجتماعی می‌کند. عمل کردن به این دستورات، مخصوصاً در عصر و زمان ما، لازم و ضروری است. طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمّیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده و بدن

و لباسش برای «نماز» که بهترین شیوه پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است.

احکامی که در این فصل مطرح می‌شود، بخشی از مسائلی است که این دین پاک آسمانی، در این زمینه مطرح کرده است. امید است که بدان توجه، و سپس عمل کنیم.

مسألة ۱۵- در عالم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود.

مسألة ۱۶- چیزهای نجس عبارت است از:

۱. ادرار؛ ۲. مدفوع؛ ۳. منی؛ ۴. مُردار (حیوانی که بطور طبیعی بمیرد)؛ ۵. خون؛ ۶ و ۷. سگ و خوک؛ ۸. شراب؛ ۹. آبجو؛ ۱۰. کافر؛ ۱۱. عرق شتر نجاستخوار

به توضیحات کوتاهی پیرامون احکام برخی از نجاسات فوق توجه فرمایید:

ادرار و مدفوع

مسألة ۱۷- ادرار و مدفوع و خون انسان و حیوانهای حرام‌گوشت که خون جهنده دارند (یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن به سرعت جاری می‌شود) نجس است.

مسألة ۱۸- ادرار و مدفوع حیوانهای حلال‌گوشت، مانند گاو و گوسفند و ادرار و مدفوع و خون حیوانهایی که خون جهنده ندارند؛ مانند

مار و ماهی، پاک است.

مسأله ۱۹- ادرار و فضولات حیوانهایی که گوشت آنها مکروه است، پاک می باشد؛ مانند اسب و الاغ.

مسأله ۲۰- فضله پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ، پاک است.

مردار

مسأله ۲۱- به حیوانی که بطور طبیعی بمیرد «مردار» گفته می شود.

مسأله ۲۲- حیوانها دو دسته اند، برخی خون جهنده دارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار از آن بیرون می آید و برخی دیگر خون جهنده ندارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار بیرون نمی آید.

مسأله ۲۳- مردار حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی، پاک است.

مسأله ۲۴- اجزای بی روح مردار حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مو و شاخ بیرونی، پاک و اجزای روح دارش؛ مانند گوشت و پوست، نجس است.

مسأله ۲۵- تمام اجزای بدن سگ و خوک؛ چه مرده و چه زنده آن نجس است.

مسأله ۲۶- انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزای بی روح او؛ مانند ناخن، مو و دندان) تمام بدنش نجس می باشد.

مسأله ۲۷- هرگاه میت را غسل دهند، بدنش پاک می شود.

مسألة ۲۸- کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکه درگیری کشته شود و همان جا از دنیا برود بدنش پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

خون

مسألة ۲۹- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مرغ و گوسفند، نجس است.

مسألة ۳۰- حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند مار، ماهی و پشه، خونش پاک است.

مسألة ۳۱- بنابر احتیاط واجب، از تخم مرغی که ذره‌ای خون در آن است باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده تخم مرغ پاک می باشد.

مسألة ۳۲- خونی که از لای دندان (لثه) می آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

سگ و خوک

مسألة ۳۳- سگ و خوک معمولی نجس است و با آب کشیدن هم پاک نمی شود، حتی مو، پنجه و ناخن و رطوبت‌های آن هم نجس می باشد.

مسألة ۳۴- همراه داشتن سگ در ماشین و خیابان و نگهداری آن در خانه که نوعی تقلید از بیگانگان است، شایسته مسلمانان با شخصیت

نیست و از جهات شرعی (نجاست و طهارت) مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟

مسأله ۳۵- اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه‌ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود.

مسأله ۳۶- اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده است یا نه؟ پاک است. جستجو و واریسی هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را با جستجو بفهمد.

مسأله ۳۷- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مُطَهَّرَات (پاک‌کننده‌ها)

مسأله ۳۸- مطهّرات، اشیای نجس را پاک می‌کند. عمده پاک‌کننده‌ها عبارتند از:

۱. آب؛ ۲. زمین؛ ۳. آفتاب؛ ۴. اسلام؛ ۵. برطرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد).

احکام آبها

آب اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یادگرفتن مسائل مربوط به آن، کمک می‌کند.

مسألة ۳۹- آب یا «مضاف» است یا «مطلق»:

«آب مضاف» آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن «آب» گفته نشود؛ مانند شربت.

«آب مطلق» آبی است که مضاف نباشد.

مسألة ۴۰- آب مضاف:

* ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند؛ ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند (و از مطهرات نمی‌باشد).

* اگر با نجاست برخورد کند، نجس می‌شود؛ هرچند نجاست کم باشد و بو یا رنگ و یا مزهٔ آب عوض نشود.

* وضو و غسل با آن باطل است.

اقسام آب مطلق

مسألة ۴۱- آب یا از آسمان می‌بارد که باران است، - یا از زمین می‌جوشد، که اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است.

و یا این که نه می‌جوشد و نه می‌بارد، که اگر به مقداری که در مسألة بعد خواهد آمد، باشد «گر» و اگر کمتر از این مقدار باشد «قلیل» است.

مسألة ۴۲- مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حداقل ۳/۵ و جب باشد بریزند پر شود، یا وزن آن ۳۸۴ کیلوگرم باشد، به مقدار گر است.

مسأله ۴۳- آب قلیل به محض برخورد با نجاست، نجس می‌شود، مگر آن که با فشار به چیز نجس برسد که در این صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده نجس می‌شود؛ مانند ظرف آبی که از بالا بر چیز نجس ریخته می‌شود، تنها آبهایی که به چیز نجس رسیده نجس می‌شود و آبهای بالا و داخل ظرف پاک است.

مسأله ۴۴- اگر آب کر یا جاری، به آب قلیل نجس متصل شود و با آن مخلوط گردد، پاک می‌گردد. (مثلاً: اگر ظرف آب قلیلی را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می‌باشد بگذارند و آب را بر آن باز کنند پاک می‌شود) ولی اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یا رنگ یا مزه نجاست از بین برود.

مسأله ۴۵- تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود (بنابراین، آب جاری، چاه، گُر و حتی باران در این حکم مشترکند).

مسأله ۴۶- آب لوله‌هایی که متصل به منبع گُر می‌باشد، در حکم آب کر است.

مسأله ۴۷- برخی از خصوصیات آب باران:

* اگر باران بر چیز نجسی که عین نجس^۱ در آن نیست، یک بار ببارد پاک می‌شود.

* اگر بر فرش و لباس نجس ببارد فشار لازم ندارد و پاک می‌شود؛ به

۱. عین نجس چیزی است که خودبه‌خود نجس است؛ مانند ادرار و خون.

شرط این که غُسالَةُ آن (آب موجود در آن) خارج شود.

* اگر بر زمین نجس ببارد پاک می شود.

* هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگرچه کمتر از گُر باشد،

چنانچه چیز نجسی را در حالی که باران همچنان می بارد، در آن بشویند،

تا زمانی که آن آب، بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است.

چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

مسأله ۴۸- برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را

برطرف کرده، سپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب

کشید.

مسأله ۴۹- ظرف نجس را، بعد از برطرف کردن نجاست، اگر یک

مرتبه با آب کر یا آب لوله کشی بشویند کافی است؛ ولی با آب قلیل باید

سه مرتبه شسته شود.

مسأله ۵۰- ظرف نجس را می توان این گونه آب کشید:

با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه

قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را بطوری در آن بگردانند که به

جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

مسأله ۵۱- فرش و لباس و چیزهایی مانند آن، که آب را به خود

می گیرد و قابل فشار دادن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می کنند، باید

بعد از هر بار شستن، آن را فشار دهند تا آبهای داخل آن بیرون آید و یا به

گونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود؛ ولی در آب گُر و جاری فشار دادن لازم نیست. به شرط این که آن را طوری در آب تکان دهند که آب از آن بگذرد.

مسأله ۵۲- موکت چسبیده به زمین به وسیله آب لوله کشی پاک می‌شود و لازم است مقداری فشار داده شود و بهتر این است که آب موجود در آن را با چیزی جمع کنند.

زمین

مسأله ۵۳- اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین پاک می‌شود؛ به شرط آن که عین نجاست از آن محل برطرف شود.

و زمین باید:

(الف) پاک باشد.

(ب) خشک باشد.

(ج) خاک، شن، سنگ، آجر فرش، آسفالت و مانند اینها باشد.

مسأله ۵۴- اگر بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا بر زمین، نجاست ته کفش یا کف پا برطرف شود، پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.

آفتاب

مسأله ۵۵- آفتاب (با شرایطی که خواهد آمد) زمین و پشت بام را پاک می‌کند؛ ولی پاک کردن ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است،

مانند در و پنجره، محل اشکال است.

مسألة ۵۶- آفتاب، زمین و پشت بام را با این شرایط پاک می‌کند:

(الف) چیز نجس، تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود.

(ب) با تابش آفتاب، چیز نجس خشک شود، اگر مرطوب بماند، پاک

نشده است.

(ج) چیزی؛ مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آن که نازک

باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.

(د) آفتاب، به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود.

(ه) هنگام تابش آفتاب، نجاست در آن نباشد، پس اگر نجاست هست،

پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.

مسألة ۵۷- اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته

باشد، می‌توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن

بشود، بر آن ریخت تا آفتاب بر آن بتابد و آن را پاک کند.

اسلام

مسألة ۵۸- کافر بنا بر احتیاط واجب نجس است و اگر شهادتین را

بگوید، مسلمان می‌شود؛ یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

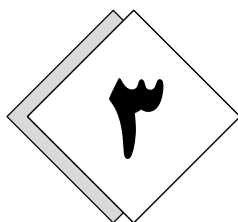
و با اسلام، پاک می‌گردد.

برطرف شدن عین نجاست

مسأله ۵۹- در دو مورد، با برطرف شدن نجاست، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد.

الف) بدن حیوان، مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست از منقارش برطرف شود پاک است.

ب) باطن بدن، مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلاً اگر هنگام مسواک کردن، از لثه‌ها خون بیاید و خون برطرف شود، داخل دهان پاک است و آب کشیدن آن لازم نیست. ولی مسواک اگر با خون برخورد داشته باشد به احتیاط واجب، نجس می‌شود هر چند داخل دهان باشد.



وضو

بدون شک «وضو» دارای دو فایدهٔ روشن است:

«فایدهٔ بهداشتی» و «فایدهٔ اخلاقی و معنوی» از نظر بهداشتی شستن صورت و دستها، آن هم پنج یا لاقل سه بار در شبانه روز، اثر قابل ملاحظه‌ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و پشت پاها، که شرط آن رسیدن آب به موها، یا پوست بدن است، سبب می‌شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم، ضمن این که تماس آب با پوست بدن، اثر خاصی در تعادل اعصاب «سمپاتیک» و «پاراسمپاتیک» دارد.

و از نظر اخلاقی و معنوی چون با قصد قربت و برای رضای خدا انجام می‌شود، اثر تربیتی دارد؛ زیرا مفهوم کنایی وضو این است که: «از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام بر می‌دارم.» در روایتی از امام هشتم علیه السلام اشاراتی به این مطلب شده است.^۱

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

در برخی از موارد هم باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن «تیمم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسألة ۶۰- انسان باید برای نماز (بجز نماز میت) و برای طواف کعبه و برای تماس بدن با نوشته قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد.

مسألة ۶۱- اگر نماز یا طواف، بدون وضو انجام شود باطل است.

مسألة ۶۲- کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:

* خط قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

* اسم خداوند به هر زبانی که نوشته شده باشد، مانند «الله»، «خدا»،

«god».

* نام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسامی امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام و نام حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام اگر

بی احترامی به آنها باشد.

مسألة ۶۳- برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:

(الف) رفتن به مسجد و حرم امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام.

(ب) خواندن قرآن.

(ج) همراه داشتن قرآن.

(د) تماس بدن با جلد یا حاشیۀ قرآن.

(ه) خواندن نماز میّت.

(و) زیارت اهل قبور.

مسأله ۶۴- برای محو کردن اسامی مقدّسه می‌توان آن را در جایی دفن کرد، یا به رودخانه‌ای ریخت، یا با قلم و ماژیک و مانند آن، آن را محو کرد. و از همه بهتر اینکه به مراکزی داد که آن را خمیر می‌کنند. و با آن مقوّا و مانند آن می‌سازند.

مسأله ۶۵- استفاده از گردنبندهایی که اسامی مقدّسه دارند، اشکالی ندارد، مشروط بر آنکه بدون وضو با بدن تماس مستقیم نداشته باشد.

چگونه وضو بگیریم؟

مسأله ۶۶- برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت، سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید، آنگاه با همان رطوبتی که از شستن دست بر کف آن باقی مانده، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر سر بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح نماید.

توضیح اعمال وضو

مسأله ۶۷- در وضو انسان باید ابتدا صورت را، از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه، از بالا به پایین بشوید و برای آن که یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بر آن بیفزاید.

مسأله ۶۸- بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست

چپ را از آرنج تا سر انگشته‌ها بشوید.

مسألة ۶۹- برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید کمی بالاتر

از آرنج را هم بشوید.

مسألة ۷۰- کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ

شسته، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.

مسألة ۷۱- جای مسح، یک قسمت از چهار قسمت سر است که بالای

پیشانی از فرق سر تا (جلوی سر) می‌باشد.

مسألة ۷۲- مسح سر، به هر مقدار که باشد کافی است.

مسألة ۷۳- مستحب است سر را به پهنای سه انگشت بسته و طول

یک انگشت مسح کند.

مسألة ۷۴- لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی

سر هم صحیح است، مگر این که موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت باید، پوست سر یا انتهای مو را مسح کند.

مسألة ۷۵- پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست

باقی مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشته‌ها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط مستحب آن است که تا مفصل (جایی که متصل به ساق پا می‌شود) را نیز مسح کند.

مسألة ۷۶- در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه

دارد، و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را

می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

مسأله ۷۷- اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند؛ بلکه باید از اعضای دیگر وضو؛ مثلاً صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

مسأله ۷۸- رطوبت دست باید بقدری باشد که هنگام مسح بر سر و پا اثر بگذارد.

مسأله ۷۹- محلّ مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد؛ ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن نباشد اشکالی ندارد.

مسأله ۸۰- روی کلاه یا جوراب نمی‌توان مسح کرد.

مسأله ۸۱- محلّ مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید پارچه پاک روی آن بیندازد و بر آن مسح کند و بعد تیمّم کند.

شرایط وضو

مسأله ۸۲- با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتی یکی از آنها وضو باطل است:

۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
۲. آب وضو مطلق باشد^۱ (مضاف نباشد).

۱. توضیح آب مطلق در مسأله ۳۹ آمده است.

۳. آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد (غصبی نباشد).
۴. ظرف آب وضو مباح باشد (به شرحی که خواهد آمد).
۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد (به شرحی که خواهد آمد).
۶. اعضای وضو پاک باشد.
۷. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد.
۸. با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد.
۹. رعایت ترتیب (به همان صورت که قبلاً گفته شد).
۱۰. رعایت مَوالات (بین اعمال وضو فاصله نیندند).
۱۱. در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد. (به شرحی که خواهد آمد).
۱۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
۱۳. برای وضو گرفتن وقت داشته باشد.

توضیح شرایط وضو

- مسألة ۸۳-** وضو با آب نجس و مضاف باطل است؛ خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.
- مسألة ۸۴-** آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

الف) وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست.

(ب) آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.

(ج) آبی که وقف افراد خاصی است، برای غیر آن افراد؛ مانند آب برخی از مدارس که وقف محصلین همان مدرسه است و وضوخانه مساجد، که وقف کسانی است که در آنجا نماز می خوانند.

مسئله ۸۵- وضو گرفتن از نهرها و چشمه‌ها، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که با آن آبها وضو نگیرد.

مسئله ۸۶- اگر آب در ظرف غصبی باشد و آب دیگری نباشد باید تیمم کرد.

مسئله ۸۷- اعضای وضو؛ یعنی صورت، دستها و پاها در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.

مسئله ۸۸- اگر چیزی بر صورت یا دستها باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود.

مسئله ۸۹- اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد، هرچند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید برطرف شود؛ چون بین دست و محل مسح نباید چیزی فاصله شود.

مسئله ۹۰- چنانچه کرم مانع رسیدن آب نباشد، اشکالی ندارد. و کرمهای معمولی مانع نیست.

مسئله ۹۱- جوهر خودکارهای معمولی مانع رسیدن آب نیست.

مسئله ۹۲- برای مسح بر موی ژل زده لازم است بیخ موها راکه ژل ندارد، مسح کند.

مسألة ۹۳- خط قلم خودکار و لکته‌های رنگ و چربی و کرم، در صورتی که رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم دارد و روی پوست را گرفته باشد باید برطرف شود. ولی رنگ خودکار معمولاً مانع رسیدن آب نیست.

مسألة ۹۴- اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده، ولی نمی‌داند که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند، یا آب را به زیر آن برساند.

مسألة ۹۵- کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود: اول صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح کند، و نباید پای چپ را پیش از پای راست مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است.

مسألة ۹۶- موالات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

مسألة ۹۷- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که مردم بگویند پشت سر هم وضو نمی‌گیرد وضوی او باطل است.

مسألة ۹۸- کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است؛ ولی اگر آب کف دست او بریزد و خودش صورت و دستها را بشوید مانعی ندارد.

مسألة ۹۹- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد، ولی خود او باید نیت وضو کند.

مسأله ۱۰۰- کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود و یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.

مسأله ۱۰۱- وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، بطوری که اگر از او پرسند، چه می‌کنی؟ بگوید وضو می‌گیرم.

مسأله ۱۰۲- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند، لکن اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

احکام وضوی جبیره‌ای

چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می‌بندند و دوایی که روی آن می‌گذارند «جبیره» نامیده می‌شود.

مسأله ۱۰۳- هرگاه در یکی از جاهای وضو زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و خون ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد باید مطابق معمول، وضو بگیرد.

مسأله ۱۰۴- هرگاه زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت و دست‌هاست و روی آن باز می‌باشد؛ اما آب ریختن روی آن ضرر دارد، کافی است اطراف

آن را بشوید، ولی اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد باید دست تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاکى روى آن بگذارد و دست تر روى آن بکشد.

مسألة ۱۰۵- هرگاه زخم یا دمل و شکستگی در محلّ مسح باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاکى روى آن بگذارد و روى پارچه را با رطوبت آب وضو مسح کند و بنا بر احتیاط واجب، تیمّم هم ننماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید وضوى بدون مسح بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم نکند.

مسألة ۱۰۶- هرگاه زخم یا دمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقتّ زیادى ندارد و آب هم برای آن مضر نیست، باید آن را باز کند و وضو بگیرد، در غیر این صورت اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روى جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره، نجس است یا نمى شود روى آن دست تر بکشد، پارچه پاکى را بر آن ببندد و دست تر روى آن بکشد.

مسألة ۱۰۷- هرگاه جبیره تمام صورت یا تمام یکى از دستها را گرفته باشد، باید بنا بر احتیاط هم وضوى جبیره‌ای بگیرد و هم تیمّم کند، همچنین اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد.

مسألة ۱۰۸- کسی که در کف دست و انگشتهایش جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روى آن کشیده، مى تواند مسح سر و پا را با همان رطوبت انجام دهد و اگر کافی نباشد، از جاهای دیگر وضو رطوبت مى گیرد.

مسأله ۱۰۹- هرگاه جبیره بیشتر از معمول، اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط مستحب، تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره اضافی ممکن است باید آن را بردارد.

مسأله ۱۱۰- هرگاه در جای وضو، زخم و جراحت و شکستگی وجود ندارد، اما به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمم کند، ولی اگر فقط برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد، چنانچه اطراف آن را بشوید کافی است و احتیاط آن است که تیمم هم بکند.

مسأله ۱۱۱- اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده که برداشتن آن ممکن نیست، یا بسیار مشقت دارد باید به دستور جبیره عمل کند، یعنی اطراف آن را بشوید و روی آن را دست بکشد.

مسأله ۱۱۲- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی تاممکن است باید غسل را ترتیبی بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب.

مسأله ۱۱۳- کسی که وظیفه او تیمم است، هرگاه در اعضای تیمم او زخم، یا دُمَل، یا شکستگی باشد باید مطابق دستور وضوی جبیره‌ای تیمم جبیره‌ای کند.

مسأله ۱۱۴- کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای است، چنانچه می‌داند تا آخر وقت عذر او برطرف نمی‌شود می‌تواند در اوّل وقت نماز بخواند، اما اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند.

مسأله ۱۱۵- لازم نیست نمازهایی را که با وضو یا غسل جبیره‌ای

می خواند بعد از برطرف شدن عذر دوباره بخواند، مگر این که قبل از پایان وقت نماز، عذرش برطرف شود، در اینجا بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را دوباره بخواند.

چگونه وضو باطل می شود؟

مسألة ۱۱۶- اگر یکی از امور زیر از انسان سر بزند وضو باطل می شود:

(الف) خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده از انسان.

(ب) خواب؛ چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.

(ج) چیزهایی که عقل را از بین می برد؛ مانند دیوانگی، مستی،

بیهوشی. (بنا بر احتیاط واجب).

(د) آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مسّ میّت و مانند آن.

احکام تلاوت قرآن

مسألة ۱۱۷- قرآن همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و

ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را به طرز صحیحی

آب بکشند.

مسألة ۱۱۸- اگر جلد قرآن نجس شود و بی احترامی به قرآن باشد، باید

آن را هم آب بکشند.

لمس کردن خطوط قرآن

مسألة ۱۱۹- دست زدن، بوسیدن و رساندن جایی از بدن به نوشته

قرآن، برای کسی که وضو ندارد حرام است.

مسأله ۱۲۰- در لمس نوشته قرآنی، فرقی بین آیات و کلمات، بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.

مسأله ۱۲۱- در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه فرقی نیست.

مسأله ۱۲۲- در نوشته قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشته شده باشد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر.

مسأله ۱۲۳- اگر نوشته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن بدون وضو حرام است. مثل این که آیه‌ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد.

مسأله ۱۲۴- موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی‌آید و حرام نمی‌باشد:

* لمس آن از پشت شیشه، یا پلاستیک.

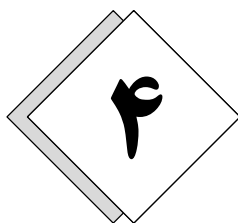
* لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته‌ها.

* لمس ترجمه قرآن، به هر لغتی باشد، مگر اسم خداوند که به هر لغتی باشد، لمس آن برای کسی که وضو ندارد حرام است، مانند کلمه «خدا».

مسأله ۱۲۵- کلماتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است مانند «مؤمن»، «الذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد لمس آن بدون وضو حرام است. (بنابر احتیاط).

مسأله ۱۲۶- لمس خطوط قرآن بر جنب، حرام است.

مسأله ۱۲۷- انسان جنب نباید آیات سجده واجب قرآن را بخواند.



غسل

گاهی برای نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می‌شود.

شیوه غسل کردن

مسأله ۱۲۸- در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر: تمام غسلها در عمل با یکدیگر فرقی ندارند مگر در نیت.

مسأله ۱۲۹- غسل را به دو صورت می‌توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می‌شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ بدن.

در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می‌گیرد. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را یکجا در آب فرو ببرد.

شرایط صحیح بودن غسل

مسئله ۱۳۰- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد،^۱ در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. و همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.

مسئله ۱۳۱- اگر در بین غسل، کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهد مثلاً ادرار کند غسل او باطل نمی‌شود، ولی برای نماز و مانند آن باید وضو بگیرد.

مسئله ۱۳۲- تمام غسلهای واجب و همچنین غسلهای مستحبی که با دلیل معتبر ثابت شده (مثل غسل جمعه، غسل احرام، غسل شبهای قدر و مانند آن) کفایت از وضو می‌کند.

مسئله ۱۳۳- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد. و اگر تنها یکی از آنها بخاطرش باشد و برای آن غسل کند بقیه از او ساقط می‌شود هر چند نیت نکرده باشد.

مسئله ۱۳۴- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، بنابراین اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت، آب بکشد کافی است.

- مسأله ۱۳۵-** غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است.^۱
- مسأله ۱۳۶-** کسی که روزه واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را در آب فرو برد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند. صحیح است.
- مسأله ۱۳۷-** در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، هرطور آب را به تمام بدن برساند کافی است.
- مسأله ۱۳۸-** کسی که زیادتر از معمول در حمام آب می‌ریزد، غسل او اشکال دارد.
- مسأله ۱۳۹-** هرگاه کسی جنب شده و نماز خوانده است، اگر بعداً شک کند که غسل کرده یا نه، آن نماز صحیح است ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

احکام غسل

غسلهای واجب

- مسأله ۱۴۰-** غسلهای واجبی که مربوط به مردان است عبارتند از:
 الف) جنابت؛ ب) میت؛ ج) مس میت؛ د) غسل مستحبی که به سبب نذر واجب می‌شود.

غسل جنابت

- مسأله ۱۴۱-** اگر از انسان منی^۲ بیرون آید، هرچند در خواب باشد،

۱. احکام وضوی جبیره‌ای در صفحه ۴۱ گذشت.

۲. منی = مایعی است که از غدد تناسلی به سبب آمیزش یا احتلام در اوج شهوت جنسی از مجرای ادرار خارج می‌شود.

جُنُب می‌شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد.

مسألة ۱۴۲- اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی‌شود.

مسألة ۱۴۳- کسی که می‌داند منی از او خارج شده است و یا می‌داند آنچه بیرون آمده منی می‌باشد، جنب است و باید غسل کند.

مسألة ۱۴۴- اگر از مرد رطوبتی خارج شود که نداند ادرار است یا منی یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده، آن رطوبت منی است، ولی اگر یکی از این دو نشانه در آن وجود نداشته باشد آن رطوبت منی نمی‌باشد، ولی نسبت به مریض لازم نیست که با جستن بیرون آید بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده باشد، حکم منی دارد.

مسألة ۱۴۵- هرگاه منی از جای خود حرکت کند اما از ریختن آن به بیرون جلوگیری به عمل آورد، یا به علت دیگر بیرون نیاید، غسل واجب نیست. همچنین اگر شک کند که بیرون آمده یا نه.

مسألة ۱۴۶- غالباً بعد از بیرون آمدن منی بدن سست می‌شود ولی این موضوع جزء شرایط قطعی و نشانه‌های آن نیست.

مسألة ۱۴۷- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی ادرار کند و اگر ادرار نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، دوباره باید غسل کند.

کارهایی که بر جنب حرام است

مسأله ۱۴۸- چند کار بر جنب حرام است:

(الف) رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب اسامی پیامبران و امامان علیهم السلام.

(ب) رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله هرچند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود.

(ج) توقف در سایر مساجد و حرم امامان علیهم السلام؛ ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد؛ اما هنگامی که جنب غسل کند و یا در صورت عدم توانایی بر غسل، تیمم کند، تمام این امور بر او حلال می شود.

(د) خواندن آیه های سجده واجب که در چهار سوره قرآن آمده است:
 ۱. سوره سجده، ۲. سوره فصلت، ۳. سوره نجم، ۴. سوره علق.

مسأله ۱۴۹- اگر شخصی در خانه اش مکانی را برای نماز قرار دهد (و همچنین در مؤسسه یا اداره ای) حکم مسجد ندارد.

مسأله ۱۵۰- توقف در حرم امامزاده ها مثل حرم حضرت معصومه علیها السلام در حال جنابت اشکال ندارد؛ ولی توقف در مساجدی که کنار حرم ها ساخته اند، حرام است.

غسل میّت

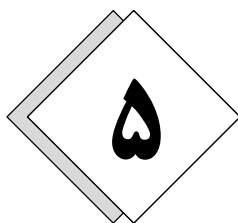
مسأله ۱۵۱- هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند.^۱

۱. برای آشنایی با احکام اموات می توانید به رساله توضیح المسائل، مسأله ۵۰۷ به بعد مراجعه کنید.

غسل مسّ ميّت

مسألة ۱۵۲- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مسّ ميّت کند.

مسألة ۱۵۳- غسل مسّ ميّت مثل غسل جنابت است و کفایت از وضو نیز می‌کند هر چند احتیاط مستحب آن است که وضو بگیرد.



مسألة ۱۵۴- در چند مورد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

الف) دسترسی به آب نداشته باشد.

ب) آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلاً به سبب استعمال آب بیماری در او پیدا می شود یا بیماریش شدت می یابد و یا دیر خوب می شود.

ج) اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندان او یا رفیقش و یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی هلاک می شوند یا بیمار می شوند، یا به قدری تشنه می شوند که تحمل آن سخت است (حتی حیوانی که در اختیار اوست نیز همین حکم را دارد).

د) بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن

ندارد، و لباس دیگری نیز ندارد.

هـ) وقت به قدری تنگ است، که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می شود.

دستور تیمم

مسألة ۱۵۵- در تیمم پنج چیز واجب است:

الف) نیت

ب) زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

ج) کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که

موی سر می روید تا روی ابروها و بالای بینی.

د) کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.

هـ) کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ (انگشتان هم

جزء کف دست می باشند).

مسألة ۱۵۶- برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید

کمی بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

مسألة ۱۵۷- انسان باید برای تیمم انگشتان را از دست بیرون آورد و اگر

مانع دیگری نیز در پیشانی یا دستها وجود دارد بر طرف کند.

مسألة ۱۵۸- تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت

خداوند انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمم به جای وضو است

یا غسل، و این همان نیت تیمم است.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

مسأله ۱۵۹- تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ، صحیح است، به شرط این که پاک باشد و غصبی نباشد.

احکام تیمم

مسأله ۱۶۰- تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است فرقی ندارد. ولی بهتر است در تیمم به جای غسل بعد از مسح پیشانی یک بار دیگر دستها را به زمین بزند و فقط پشت دستها را مسح کند.

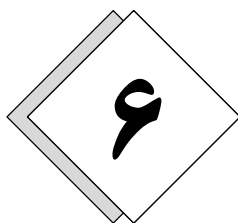
مسأله ۱۶۱- کسی که بجای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر بزند تیممش باطل می شود.

مسأله ۱۶۲- کسی که به جای غسل، تیمم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می کند، پیش آید تیممش باطل می شود؛ مثلاً اگر به جای غسل جنابت تیمم کرده، اگر دوباره جنب شود تیممش باطل می شود.

مسأله ۱۶۳- تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند؛ بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می شود.

مسأله ۱۶۴- هرگاه به جای غسل تیمم کند لازم نیست وضو بگیرد، یا تیمم دیگری بدل از وضو کند، خواه غسل جنابت باشد یا غسلهای دیگر،

ولی احتیاط مستحب آن است که در غسل‌های دیگر وضو بگیرد یا اگر نمی‌تواند تیمم دیگری بدل از وضو کند.



نماز

نماز رابطهٔ انسان با خدا و مایهٔ صفای روح و پاک‌ی دل و پیدایش روح تقوا و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است. نماز مهمترین عبادت است که اگر قبول درگاه خداوند بزرگ شود، عبادتهای دیگر نیز قبول می‌گردد و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال دیگر نیز ارزش نخواهد داشت.

همان‌طور که اگر انسان، در شبانه‌روز پنج نوبت، خود را در نهر آبی شستشو دهد، هیچ‌گونه آلودگی در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند و غبار معصیت را از دلها می‌شوید. در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و وصایا و سفارشهای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمهٔ معصومین علیهم السلام از مهمترین کارهایی که روی آن تأکید شده نماز است. بدین جهت ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می‌شود.

سزاوار است انسان نماز را اول وقت بخواند، و به آن اهمیّت بسیار دهد، و از تند خواندن نماز، که ممکن است مایه خرابی آن گردد، جداً بپرهیزد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که به نماز اهمیّت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است».

روح نماز «حضور قلب» است، بنابراین باید عوامل حضور قلب را در خود تقویت کند، مثل این که معانی کلمات نماز را بفهمد، و در حال نماز به آن توجه داشته باشد، و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خدا بسیار کوچک ببیند.

سزاوار است نمازگزار کارهایی که ثواب نماز را کم می‌کند بجا نیاورد؛ مثلاً با حالت خواب آلودگی نماز نخواند و در نماز به آسمان نگاه نکند. در برابر منظره‌هایی که جلب توجه می‌کند به نماز نایستد، بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند بجا آورد؛ مثلاً لباس پاکیزه بپوشد، خود را خوشبو کند، دندانهایش را مسواک بزند و موهایش را شانه کند.

اقسام نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می‌شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب. نمازهای واجب هم دو دسته‌اند؛ برخی از آنها تکلیف هر روزه می‌باشد که باید در هر شبانه روز و در زمانهای خاصی بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می‌شود و برنامه همیشگی و هر روزه نیست.

مسأله ۱۶۵- نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است.

نماز صبح: دو رکعت
 نماز ظهر: چهار رکعت
 نماز عصر: چهار رکعت
 نماز مغرب: سه رکعت
 نماز عشا: چهار رکعت

وقت نمازهای روزانه

مسأله ۱۶۶- وقت نماز صبح از اذان صبح تا طلوع آفتاب است که در این مدت باید خوانده شود و هرچه به اذان صبح نزدیکتر باشد بهتر است. وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا غروب است، و به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی از اول وقت، مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به غروب مانده مخصوص نماز عصر است.

وقت نماز مغرب و عشا از مغرب تا نصف شب است و به اندازه خواندن یک نماز سه رکعتی از اول وقت، مخصوص نماز مغرب و به اندازه یک نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است مخصوص نماز عشا می باشد. و احتیاط آن است که اگر از نصف شب بگذرد نیت ما فی الذمه کند (یعنی آنچه خدا به او دستور داده، خواه ادا باشد یا قضا).

وقت صبح

مسأله ۱۶۷- نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سپیده‌ای رو به بالا

حرکت می‌کند که آن را «فجر اول» گویند، هنگامی که آن سپیده، شفاف و پهن شد، «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

مسألة ۱۶۸- وقت اذان صبح (برای نماز و روزه) در شبهای مهتابی و غیر مهتابی یکسان است و معیار، ظاهر شدن نور شفق در افق است، هرچند بر اثر تابش مهتاب نمایان نباشد.

وقت ظهر

مسألة ۱۶۹- اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، صبح که خورشید طلوع می‌کند، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هرچه آفتاب بالا می‌آید سایه کم می‌شود، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر

۱. در برخی از شهرها، از جمله مکه، گاهی اوقات موقع ظهر، سایه از بین می‌رود، در این اماکن بعد از

می‌آید، احتیاط واجب آن است که فاصله بین غروب آفتاب تا اذان صبح را نصف کنیم.^۱

احکام وقت نماز

مسأله ۱۷۲- نمازهای غیر روزانه دارای وقت مشخصی نمی‌باشد، و بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود؛ مثلاً نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است و نماز میّت، زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود.

مسأله ۱۷۳- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، نماز باطل است.

[اگر نماز در وقت خودش خوانده می‌شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «ادا» است و اگر نماز بعد از گذشتن وقت خوانده شود، در اصطلاح گویند: نماز «قضا» شده است.]

مسأله ۱۷۴- انسان باید نماز را در وقت معین آن بخواند و اگر عمداً در آن وقت نخواند، گناهکار است.

مسأله ۱۷۵- مستحب است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند، و هر چه به اوّل وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسأله ۱۷۶- اگر وقت تنگ باشد به گونه‌ای که اگر بخواهد

۱. تقریباً یازده ساعت و ربع که از ظهر شرعی بگذرد آخر وقت نماز مغرب و عشاءست؛ مثلاً اگر ظهر شرعی ساعت ۱۲/۱۵ دقیقه باشد، نیمه شب ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه است.

مستحبات نماز را بجا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می شود نباید مستحبات را بجا آورد، مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می گذرد، نباید قنوت را بخواند.

مسألة ۱۷۷- انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است. ولی اگر سهواً باشد مانعی ندارد.

قبله

مسألة ۱۷۸- خانه کعبه، که در شهر مکه و در مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» ما مسلمانهاست و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.

مسألة ۱۷۹- کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است. قبله را می توان به وسیله قبله نما یا قبله مساجد یا قبور مسلمانان تشخیص داد.

پوشاندن بدن در نماز

مسألة ۱۸۰- پسران و مردان در نماز، باید عورت (شرمگاه خود) را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو پوشانده شود.

مسألة ۱۸۱- احتیاط آن است که مرد لباس مخصوص زنان و زن لباس مخصوص مردان را نپوشد، ولی نماز با آن اشکال ندارد.

مسألة ۱۸۲- لباس نمازگزار باید این شرایط را داشته باشد:

۱. پاک باشد. (نجس نباشد)

۲. مباح باشد. (غصبی نباشد)

۳. از اجزای مردار نباشد؛ حتی کمر بند و کلاه، ولی اگر آن را سر بریده باشند، هر چند مطابق دستور اسلام نباشد، پاک است و می‌توان در آن نماز خواند.

۴. از حیوان حرام‌گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد.

۵. اگر نمازگزار مرد است لباس او طلا باف یا ابریشم خالص نباشد.

۶. زینت طلا مانند انگشتر طلا یا ساعت مچی طلا و مانند آن برای پسران و مردان حرام است و نماز با آن نیز باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا نیز خودداری شود.

مسأله ۱۸۳- علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

مسأله ۱۸۴- اگر انسان بداند بدن یا لباسش نجس است ولی هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند نمازش باطل است.

مسأله ۱۸۵- در موارد زیر اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

(الف) نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.

(ب) به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن لباس هم دشوار است.

(ج) لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است؛ ولی مقدار آلودگی

کمتر از درهم [تقریباً به اندازه یک بند انگشت] است.^۱

(د) ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب برای آب کشیدن آن ندارد و لباس پاک هم ندارد.

مسألة ۱۸۶- اگر لباسهای کوچک نمازگزار؛ مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام‌گوشت نباشد اشکال ندارد.

مسألة ۱۸۷- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها و خوشبو کردن خود و دست کردن انگشتری عقیق در نماز، مستحب است.

مسألة ۱۸۸- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است. بهتر است در غیر نماز هم از آن پرهیز شود، مگر پوشیدن لباس مشکی در عزای معصومین علیهم‌السلام یا بستگان.

مکان نمازگزار

مسألة ۱۸۹- مکانی که انسان بر آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط

زیر باشد:

(الف) مباح باشد (غصبی نباشد).

(ب) بی‌حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد؛ ولی در قطار و هواپیما اگر انسان بتواند تعادل خود را حفظ کند و سمت قبله را

۱. این مسأله چند استثنا دارد که برای آشنایی می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، مسأله ۷۸۱ مراجعه کنید.

مراعات نماید نماز خواندن مانعی ندارد).

ج) جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد.

د) جایی که پیشانی را می‌گذارد (در حال سجده) پاک باشد.

ه) مکان نمازگزار اگر نجس است، تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند، ولی اگر خشک باشد، مانعی ندارد.

و) جایی که پیشانی را به سجده می‌گذارد، از جای قدمهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد؛ ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد.^۱

احکام مکان نمازگزار

مسأله ۱۹۰- در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می‌کند، مانند اتومبیل و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است، مانند سنگر، اشکال ندارد.

مسأله ۱۹۱- باید در نماز، زن عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای سجده مرد کمی عقب‌تر باشد و گرنه نماز باطل است. در این حکم محرم و غیر محرم تفاوتی ندارند، ولی اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده و مانند آن باشد یا به اندازه ده زراع (تقریباً ۵ متر) فاصله باشد، اشکال ندارد.

۱. در رساله توضیح المسائل، شرایط دیگری نیز آمده است که برای آشنایی بیشتر می‌توانید به مسأله ۷۹۲ به بعد مراجعه کنید.

مسألة ۱۹۲- اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده، نماز او صحیح و نماز دومی باطل است.

مسألة ۱۹۳- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نماز نخواند، و اگر موجب هتک احترام شود، نماز باطل است.

مسألة ۱۹۴- مستحب است، انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.

احکام مسجد

مسألة ۱۹۵- در اسلام به مسجد اهمیّت زیادی داده شده است زیرا:

۱. زیاد رفتن به مسجد برای عبادت مستحب است.
۲. رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است.
۳. همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

۴. مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

مسألة ۱۹۶- کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

مسألة ۱۹۷- این کارها در رابطه با مسجد، حرام است:

۱. زینت کردن مسجد با طلا.

۲. خرید و فروش مسجد، هر چند خراب شده باشد.
۳. نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند.
۴. بردن خاک و ریگ از مسجد به جای دیگر، مگر خاکهای زیادی، مانند خاکروبه.

مسأله ۱۹۸- این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است:

۱. زودتر به مسجد رفتن.
۲. چراغ مسجد را روشن کردن.
۳. تمیز کردن مسجد.
۴. هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن که نشانه احترام به مسجد است.
۵. هنگام بیرون آمدن از مسجد اول پای چپ را بیرون گذاشتن.
۶. خواندن دو رکعت نماز مستحبی به عنوان تحیت مسجد.
۷. خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسهای خود برای رفتن به مسجد.

مسأله ۱۹۹- این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است:

۱. عبور از مسجد به عنوان محل عبور.
۲. انداختن آب دهان و بینی در مسجد.
۳. خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
۴. صدا را بلند کردن، مگر برای اذان.
۵. خرید و فروش در مسجد.
۶. سخن گفتن از امور دنیا.

۷. رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می‌دهد.

آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فرا گرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، لباس و مکان نمازگزار آماده شروع نماز می‌شویم:

اذان و اقامه

مسألة ۲۰۰- مستحب است، نمازگزار قبل از نمازهای یومیّه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

اذان

اللهُ أَكْبَرُ
۴ مرتبه

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
۲ مرتبه

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان، خدایی نیست.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
۲ مرتبه

گواهی می‌دهم که محمد فرستاده خداست.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ
۲ مرتبه

بشتابید بسوی نماز.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
۲ مرتبه

بشتابید به سوی رستگاری.

۲ مرتبه **حَيَّ عَلَىٰ خَيْرِ الْعَمَلِ**

بشتابید به سوی بهترین کارها.

۲ مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

۲ مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

اقامه

۲ مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**

جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

۲ مرتبه **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

۲ مرتبه **أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ**

گواهی می‌دهم که محمد فرستاده خداست.

۲ مرتبه **حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ**

بشتابید بسوی نماز.

۲ مرتبه **حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ**

بشتابید به سوی رستگاری.

۲ مرتبه **حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ**

بشتابید به سوی بهترین کارها.

۲ مرتبه **قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ**

همانا نماز برپا شد.

۲ مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

۱ مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

مسئله ۲۰۱- جمله «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ؛ گواهی می‌دهم که علی ولیّ

خدا بر همه خلق است» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به قصد قربت و تبرک گفته شود.

احکام اذان و اقامه

مسئله ۲۰۲- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و

اگر قبل از وقت بگوید باطل است.

مسئله ۲۰۳- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر آن را قبل از اذان

بگوید صحیح نیست.

مسئله ۲۰۴- بین جمله‌های اذان و اقامه نباید، زیاد فاصله شود و اگر

بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

مسئله ۲۰۵- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با

آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای خود اذان و اقامه بگوید.

مسئله ۲۰۶- اگر انسان برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و

ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده

باشد، تا وقتی که صفها بهم نخورده و جمعیت متفرق نشده است، بنابر

احتیاط واجب نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

مسأله ۲۰۷- نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد، همچنین نمازهای واجب دیگر غیر از نماز یومیّه.

اعمال نماز

مسأله ۲۰۸- نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد.

مسأله ۲۰۹- آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است و یا مستحب.

مسأله ۲۱۰- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.

واجبات نماز

نیت؛ تکبیرة الإحرام؛ قیام (ایستادن هنگام تکبیرة الإحرام و قیام متصل به رکوع، یعنی ایستادن پیش از رکوع)؛ رکوع؛ سجود؛ قرائت؛ ذکر؛ تشهد؛ سلام؛ ترتیب و موالات.

رکنهای نماز

نیت؛ تکبیرة الإحرام؛ قیام؛ رکوع؛ سجود.

فرق بین رکن و غیر رکن

مسأله ۲۱۱- ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه

یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم

باشد، نماز باطل است؛ اما واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نمی‌شود؛ ولی اگر عمداً ترک شود، یا کم و زیاد شود، نماز باطل می‌شود.

احکام واجبات نماز نیت

مسألة ۲۱۲- نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.

مسألة ۲۱۳- به زبان آوردن نیت در نماز و سایر عبادات، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.

مسألة ۲۱۴- نماز، باید از هرگونه ریا و خودنمایی به دور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام فرمان خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است. همچنین اگر قصد او خدا و ریا هر دو باشد باز هم باطل است.

مسألة ۲۱۵- کسی که شک دارد زمان و مهلت خواندن نماز واجب تمام شده یا نه می‌تواند به نیت «ما فی الذمه» (یعنی آنچه وظیفه اوست) بخواند.

تکبیرة الامراه

مسألة ۲۱۶- همانگونه که گذشت نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می‌شود و به آن «تکبیرة الإحرام» می‌گویند (چون با همین تکبیر است که بسیاری از

کارها که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می‌شود، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن و سخن گفتن).

مسأله ۲۱۷- «اللَّهُ أَكْبَرُ» مانند سایر ذکرهای نماز و حمد و سوره باید به عربی صحیح گفته شود و عربی غلط یا ترجمه آن کافی نیست.

مسأله ۲۱۸- مستحب است نمازگزار موقع گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد (کف دستها رو به قبله باشد).

قیام

مسأله ۲۱۹- قیام؛ یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبیرة الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بدن بخواند.

مسأله ۲۲۰- اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید برخیزد و بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را بجا آورد (این همان قیام متصل به رکوع است).

مسأله ۲۲۱- نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا مساوی باشد.

مسأله ۲۲۲- در موقع قیام نباید بدن و پاها را حرکت دهد و به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند، ولی اگر از روی ناچاری باشد، مانعی ندارد.

مسأله ۲۲۳- اگر پاها را بیش از اندازه گشاد بگذارد بطوری که از شکل ایستادن بیرون رود نمازش باطل است، مگر این که ناچار باشد.

مسألة ۲۲۴- کسی که به هیچ وجه حتی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشست، رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند. نخست به طرف راست رو به قبله و اگر نمی تواند روی طرف چپ و اگر نمی تواند به پشت بخوابد و صورت و سینه رو به آسمان و پاها رو به قبله باشد.

مسألة ۲۲۵- واجب است بعد از رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام از روی عمد ترک شود نماز باطل است.

قِرَاءَت

مسألة ۲۲۶- در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره کامل قرآن (مثلاً سوره توحید) را بخواند:

سُورَةُ هَمْد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

به نام خداوند بخشنده مهربان.

* «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ستایش، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

* «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

بخشنده و مهربان است.

* «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

(خداوندی که مالک روز جزاست).

- * «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».
- (پروردگارا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.
- * «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».
- ما را به راه راست هدایت کن.
- * «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».
- راه کسانی که به آنان نعمت دادی.
- * «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».
- نه کسانی که مورد غضب واقع شده اند و نه گمراهان.

سوره تومید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

به نام خداوند بخشنده مهربان.

* «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

بگو: او خداوند، یکتا و یگانه است.

* «اللَّهُ الصَّمَدُ».

خداوند بی نیاز است که همه نیازمندان قصد او می کنند.

* «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ».

(هرگز) نژاد و زاده نشد.

* «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است.

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سوره حمد، یا سه مرتبه

تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.

تسبیحات اربعه

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست، و جز آفریدگار جهان معبودی نیست و خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

احکام قرائت

مسأله ۲۲۷- مستحب است در رکعت اول نماز پیش از خواندن حمد

بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و نیز مستحب است حمد و سوره و ذکرهای نماز را شمرده بخواند و آیات را به هم نچسباند و مخصوصاً به معنای آنها توجه داشته باشد.

مسأله ۲۲۸- شایسته است در نمازها در رکعت اول سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و

در رکعت دوم سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند و هیچ سوره‌ای را در هر دو رکعت تکرار نکند مگر سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و سزاوار نیست در تمام نمازهای شبانه روز سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را ترک کند.

مسأله ۲۲۹- در رکعت سوم و چهارم نماز باید حمد یا تسبیحات،

آهسته خوانده شود.

مسأله ۲۳۰- در نماز ظهر و عصر، قرائت رکعت اول و دوم نیز باید

آهسته خوانده شود؛ ولی در سایر ذکرها در همه نمازها مخیر است بلند یا آهسته بخواند.

مسأله ۲۳۱- واجب است مردان حمد و سوره نماز «ظهر» و «عصر» را

آهسته و حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشا» را بلند بخوانند.

- مسأله ۲۳۲-** تکبیر و حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را باید طوری بخواند که اگر مانعی در کار نباشد حداقل خودش آن را بشنود.
- مسأله ۲۳۳-** اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است.
- مسأله ۲۳۴-** اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است؛ مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند ولی باید ادامه آن را بلند بخواند.
- مسأله ۲۳۵-** انسان باید مسائل و قرائت نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند به طور کامل قرائت صحیح را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.
- مسأله ۲۳۶-** در تنگی وقت یا در جایی که ترس از دزد یا درنده‌ای باشد می‌توان سوره را ترک کرد و همچنین در جایی که عجله برای کار مهمی داشته باشد.

رکوع

- مسأله ۲۳۷-** نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره، باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند. و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.
- مسأله ۲۳۸-** در رکوع، سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ

رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ؛ خدای خود را، که بزرگ است، منزّه می دانم و می ستایم» بگویند.

مسألة ۲۳۹- مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده «اللهُ أَكْبَرُ» بگویند و در حال رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد، گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و میان دو قدم نگاه کند و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد در حالی که بدن آرام است بگویند: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

مسألة ۲۴۰- در موقع ذکر واجب باید بدن آرام باشد و برای ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکر رکوع می گویند آرام بودن بدن لازم است.

مسألة ۲۴۱- کسی که نمی تواند به اندازه رکوع خم شود اگر بتواند باید به چیزی تکیه کند و رکوع نماید و اگر آن هم ممکن نشود باید به هر اندازه که ممکن است خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید رکوع را به صورت نشسته انجام دهد و اگر آن هم ممکن نشود در حال ایستاده با سر اشاره می کند و اگر این راه نتواند به نیت رکوع چشم ها را بر هم می گذارد و ذکر می گویند و به نیت برخاستن از رکوع چشم ها را باز می کند.

مسألة ۲۴۲- کسی که نماز نشسته می خواند برای رکوع باید بقدری خم شود که بگویند رکوع کرده است.

مسألة ۲۴۳- اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگویند، نمازش باطل است.

مسألة ۲۴۴- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.

سجود

مسأله ۲۴۵- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.

مسأله ۲۴۶- سجده آن است که اعضای هفتگانه، یعنی پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست)، را بر زمین بگذارد و در حال سجده واجب است ذکر بگوید.

مسأله ۲۴۷- در سجده سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ» خدای خود را، که از همه بالاتر است، منزه می‌دانم و می‌ستایم» بگوید.

مسأله ۲۴۸- در حال ذکر سجده، باید بدن آرام باشد.

مسأله ۲۴۹- اگر کسی پیش از آن که پیشانی او به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره، ذکر بگوید.

مسأله ۲۵۰- نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده اول بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

مسأله ۲۵۱- اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

مسأله ۲۵۲- اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز او باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

مسألة ۲۵۳- هرگاه پیشانی را سهواً بر جایی بگذارید که از محل زانوها یا انگشتان پا بیش از چهار انگشت بسته، پایین تر و بلندتر باشد، اگر بلندی به حدی است که به آن سجده نمی‌گویند باید سر را بردارد و روی چیزی بگذارد که بلندی آن از چهار انگشت بسته کمتر است. اما اگر بقدری است که به آن سجده می‌گویند واجب است پیشانی را از روی آن به روی چیزی بکشد که به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسألة ۲۵۴- سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ، چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است همچنین بر آجر و سفال و سیمان نیز جایز است.

مسألة ۲۵۵- مستحب است سجده را طولانی کند و تسبیح و حمد و ذکر خدا گوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و حاجات خود را از خداوند بخواهد و از دعاهای خوب و مناسب این دعا است: «یا خَیْرَ الْمَسْئُولِیْنَ وَ اَوْسَعَ الْمُعْطِیْنَ اُرْزُقْنِیْ مِنْ فَضْلِکَ فَانِّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ» یعنی: «ای بهترین کسی که مردم از او حاجت می‌طلبند و ای بهترین بخشنندگان، به من از فضل خودت روزی بده که تو دارای فضل عظیمی».

مسألة ۲۵۶- مستحب است در میان دو سجده هنگامی که بدن آرام است ذکر «اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوْبُ اِلَیْهِ» را بگوید.

مسألة ۲۵۷- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم به زمین برسد مانع ندارد.

مسألة ۲۵۸- نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از

زمین می‌روید، ولی خوراکی و پوشاکی نباشد، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.

مسأله ۲۵۹- سجده بر فلزات مانند طلا و نقره صحیح نیست، اما سجده بر سنگ‌های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ‌های سفید و سیاه و حتی عقیق اشکال ندارد.

مسأله ۲۶۰- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و گاه صحیح است.

مسأله ۲۶۱- سجده بر کاغذ، اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.

مسأله ۲۶۲- برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد و بعد از آن بدین ترتیب:

الف) خاک پاک

ب) سنگ

ج) گیاه

مسأله ۲۶۳- اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود نمازش اشکال دارد.

وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول سجده کند

مسأله ۲۶۴- کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به اندازه‌ای که می‌تواند خم شود و مهر را بر جای بلندی بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بر زمین بگذارد.

مسألة ۲۶۵- اگر نمی‌تواند این کار را انجام دهد باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که قدری خم شود و مَهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد.

سجده واجب قرآن

مسألة ۲۶۶- در چهار سوره قرآن، آیه سجده است؛ که اگر انسان آن آیه را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند، و اگر به گوشش بخورد احتیاط واجب سجده کردن است.

مسألة ۲۶۷- سوره‌هایی که آیه سجده دارد:

(الف) سوره شماره ۳۲ = سوره سجده، آیه ۱۵.

(ب) سوره شماره ۴۱ = سوره فصلت، آیه ۳۷.

(ج) سوره شماره ۵۳ = سوره نجم، آیه ۶۲.

(د) سوره شماره ۹۶ = سوره علق، آیه ۱۹.

مسألة ۲۶۸- اگر سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.

مسألة ۲۶۹- اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

مسألة ۲۷۰- اگر آیه سجده را از مثل بلندگو که صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.

مسألة ۲۷۱- گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب می‌باشد. مثلاً بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَضَرُّعًا وَرِقًّا».

تشهد

مسأله ۲۷۲- در رکعت دوم همه نمازها و رکعت آخر نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ».

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی‌همتا است و شریک ندارد.

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

و گواهی می‌دهم که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست.

سلام

مسأله ۲۷۳- در رکعت آخر نماز، پس از تشهد باید سلام دهد و نماز را به پایان برساند.

مسأله ۲۷۴- سلام نماز به این صورت است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

درود بر ما و بر بندگان صالح خدا.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

درود بر شما (ای نمازگزاران و مؤمنان) و رحمت و برکات خدا بر شما. و می تواند به سلام سوم قناعت کند.

ترتیب

مسألة ۲۷۵- نماز باید به این ترتیب خوانده شود: تکبیرة الإحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد؛ و اگر به این ترتیب نخواند مثلاً سجده را قبل از رکوع انجام دهد یا نمازش باطل می شود.

مُوالات

مسألة ۲۷۶- موالات؛ یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

مسألة ۲۷۷- اگر کسی بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که از صورت نمازگزار خارج شود، نمازش باطل است.

مسألة ۲۷۸- طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را بهم نمی زند، بلکه سکوت زیاد موالات نماز را بهم می زند.

قنوت

مسألة ۲۷۹- مستحب است در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت

بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.

مسأله ۲۸۰- در قنوت هر دعایی بخواند کافی است و می تواند این دعا

را بخواند:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

تعقیب نماز

تعقیب یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز. در

واقع تعقیب نماز، آثار نماز را در وجود انسان عمیق تر می کند.

مسأله ۲۸۱- بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.

مسأله ۲۸۲- لازم نیست تعقیب به عربی باشد، و معنای آن را نیز

بفهمد؛ ولی بهتر است چیزهایی را که در کتاب دعا دستور داده اند بخواند.

مسأله ۲۸۳- از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده،

تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است؛ یعنی گفتن: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳

مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

مُبطَلات نماز

مسأله ۲۸۴- آنگاه که نمازگزار، تکبیره الإحرام می گوید و نماز را شروع

می کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز، یکی

از آنها را انجام دهد نمازش باطل است، مثل:

۱. سخن گفتن.

۲. خندیدن.

۳. گریستن.
۴. روی از قبله برگرداندن.
۵. خوردن و آشامیدن.
۶. بر هم زدن صورت نماز.
۷. کم یا زیاد کردن ارکان نماز.^۱

احکام مبطلات نماز

سخن گفتن

مسألة ۲۸۵- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، اگرچه آن کلمه معنایی هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب^۲ نمازش باطل است.

مسألة ۲۸۶- اگر از روی فراموشی سخن بگوید؛ مثلاً متوجه نبود که در حال نماز است، نماز باطل نمی‌شود.

مسألة ۲۸۷- سرفه کردن و عطسه نمودن نماز را باطل نمی‌کند.

مسألة ۲۸۸- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد، و باید همان طور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته: «سلام علیکم» در جواب بگوید «سلام علیکم» و اگر گفته: «سلام»، بگوید: «سلام»، در غیر نماز نیز جواب سلام واجب است.

۱. برای آشنایی با سایر مبطلات نماز می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسألة ۱۰۰۵ مراجعه کنید.

۲. منظور از احتیاط واجب در مبطلات نماز آن است که باید نماز را تمام کرد و دوباره آن را بخواند.

فندیدن و گریستن

مسأله ۲۸۹- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است. حتی اگر بی اختیار بخندد نیز نمازش باطل می شود.

مسأله ۲۹۰- لبخند زدن نماز را باطل نمی کند.

مسأله ۲۹۱- گریه کردن با صدا نماز را باطل می کند هر چند بی اختیار شود، بلکه بنا بر احتیاط واجب گریه بی صدا نیز نماز را باطل می کند. اینها در صورتی است که گریه از ترس خدا و برای آخرت نباشد و گرنه گریه از ترس خدا نه تنها نماز را باطل نمی کند بلکه از بهترین اعمال و از کارهای اولیای خداست.

روی از قبله برگرداندن

مسأله ۲۹۲- اگر عمداً به قدری روی خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است.

مسأله ۲۹۳- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

خوردن و آشامیدن

مسأله ۲۹۴- اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، نمازش باطل است.

مسأله ۲۹۵- اگر نمازگزار خرده غذایی را که در دهانش باقی مانده، فرو

برد نمازش باطل نمی شود.

بر هم زدن صورت نماز

مسأله ۲۹۶- اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هرچند از روی فراموشی باشد، نمازش باطل می‌شود.

مسأله ۲۹۷- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.

مواردی که شکستن نماز جایز است

مسأله ۲۹۸- رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است، بنابراین احتیاط واجب؛ مگر در حال ناچاری، مانند این موارد:

۱. حفظ جان خود یا دیگری.

۲. حفظ مال مهمی از خود یا دیگری.

۳. جلوگیری از ضرر مالی و بدنی.

مسأله ۲۹۹- شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم، در صورتی که بعد از نماز دسترسی به او پیدا نمی‌کند، واجب است.

مسأله ۳۰۰- شکستن نماز برای مالی که اهمّیت چندانی ندارد مکروه است.

مواردی که در نماز مکروه است

مسأله ۳۰۱- برخی از کارها در نماز مکروه است؛ مانند:

۱. برهم گذاشتن چشمها.

۲. بازی کردن با انگشتان و دستها و موی سر یا صورت.
۳. سکوت کردن برای شنیدن حرف کسی در هنگام خواندن حمد، یا سوره، و یا ذکر.
۴. هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.
۵. برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون زیاد آن نماز را باطل می‌کند).

شکایات نماز

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام بعضی از کارهای نماز شک کند؛ مثلاً نمی‌داند تشهد را خوانده است یا نه و یا نمی‌داند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده.

و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلاً نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم.

برای شک در نماز، احکام خاصی است و بیان تمام موارد آن از حدّ این نوشته خارج است؛ ولی بطور مختصر، به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم:

شک در کارهای نماز

مسأله ۳۰۲- اگر نمازگزار در انجام یکی از کارهای نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند آن را بجا آورده است یا نه، اگر کار بعدی را شروع نکرده؛ یعنی

هنوز از محل آن کار نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در کار بعدی شک پیش آمده؛ به چنین شکی اعتنا نمی‌کند و نماز را ادامه داده و صحیح است. (مثلاً اگر در رکوع شک کند، سوره را بجا آورده یا نه، اعتنا نمی‌کند چون محلّ سوره گذشته است).

مسألة ۳۰۳- اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحت آن شک کند، یعنی نمی‌داند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شک خود اعتنا نمی‌کند؛ یعنی بنا بر صحیح بودن آن می‌گذارد و نماز را ادامه می‌دهد.

شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند

مسألة ۳۰۴- اگر در نماز دو رکعتی مثل نماز صبح یا در نماز مغرب، شک در رکعت نماز پیش آید، نماز باطل است.

مسألة ۳۰۵- اگر بین یک و بیشتر از یک شک کند؛ مثلاً شک کند که در رکعت اول است یا دوم، نماز باطل است.

مسألة ۳۰۶- اگر اصلاً نداند چند رکعت خوانده، نماز او باطل است.

مسألة ۳۰۷- شک در رکعت‌های نماز چهار رکعتی:

در این جدول مواردی که شک سبب باطل شدن نماز می‌شود و مواردی که شک در نماز موجب بطلان نماز نشده و نماز صحیح است و همچنین راه اصلاح آن بیان شده است.

| | | | | | | |
|-----------|-------------|---------|-------------|---------|------------------------|---|
| نوع شک | در حال قیام | در رکوع | بعد از رکوع | در سجده | بعد از سجده بطور نشسته | وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می‌باشد |
| بین ۲ و ۳ | باطل | باطل | باطل | باطل | صحیح | بنا را بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، ایستاده، یک رکعت نماز احتیاط بخواند. |
| بین ۲ و ۴ | باطل | باطل | باطل | باطل | صحیح | بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند. |
| بین ۳ و ۴ | صحیح | صحیح | صحیح | صحیح | صحیح | بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند. |
| بین ۴ و ۵ | صحیح | باطل | باطل | باطل | صحیح | اگر در حال قیام شک پیش آمده است، بدون رکوع می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند و احتیاطاً نماز را اعاده می‌کند و اگر شک در حالت نشسته بعد از سجده‌ها پیش آمده است، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می‌آورد. |

مسألة ۳۰۸- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد:

الف) در نماز مستحبی.

ب) در نماز جماعت.

ج) پس از سلام نماز.

د) بعد از گذشتن وقت نماز.

ه) شک کثیرالشک؛ یعنی کسی که بسیار شک می کند.

مسألة ۳۰۹- اگر کسی در تعداد رکعتهای نماز مستحبی شک کند، بنا

را بر دو می گذارد، چون تمام نمازهای مستحبی - بجز نماز وتر و نماز

اعرابی - دو رکعتی است. پس اگر شک بین یک و دو، یا دو و بیشتر از آن

پیش آید، بنا را بر دو می گذارد و نماز صحیح است.

مسألة ۳۱۰- اگر امام جماعت در نماز جماعت، در رکعتهای نماز شک

کند، ولی مأوم شک نداشته باشد و به امام بفهماند که رکعت چندم

است، امام جماعت نباید به شک خود اعتنا کند، همچنین اگر مأوم شک

کند، ولی امام جماعت شک نداشته باشد، از امام جماعت پیروی می کند و

نماز او صحیح است.

مسألة ۳۱۱- اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا

نه؛ مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا شک کند که چهار رکعت خوانده یا

پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند.

مسألة ۳۱۲- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه،

یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست؛ ولی اگر پیش از گذشتن

وقت شک کند که نماز را خوانده یا نه، باید نماز را بخواند.

مسأله ۳۱۳- اگر یکی از شکهایی که نماز را باطل می‌کند پیش آید، باید مقداری فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شک باقی ماند، آنگاه نماز را می‌شکند و دوباره آن را شروع می‌کند.

نماز احتیاط

مسأله ۳۱۴- در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، مثل شک بین ۳ و ۴، باید بعد از سلام نماز، بدون آن که صورت نماز را بهم بزند و یا یکی از مبطلات نماز را انجام دهد برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

مسأله ۳۱۵- فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

الف) نیت آن را نباید به زبان آورد.

ب) سوره و قنوت ندارد.

ج) سوره حمد، حتی بسم الله را بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

مسأله ۳۱۶- اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد پس از سجده‌ها، تشهد را می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد در پایان رکعت دوم تشهد را می‌خواند و سلام می‌دهد.

سجده سهو

مسأله ۳۱۷- هر کم و زیادی در غیر ارکان نماز حاصل شود و نیز در کلام سهوی و سلام سهوی، سجده سهو بجا می‌آورد و همچنین در شک بین ۴ و ۵.

سجده سهو چنین است که بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید:
 «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». و بعد بنشیند
 و دوباره به سجده رود و ذکر بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را
 بخواند. و احتیاطاً فقط سلام آخر را بگوید.

نماز مسافر

مسألة ۳۱۸- انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را شکسته،
 یعنی دو رکعت، بجا آورد؛ به شرط آن که مسافرتش (در رفت و برگشت) از
 هشت فرسخ کمتر نباشد. (هشت فرسخ شرعی در حدود ۴۳ کیلومتر
 است).

مسألة ۳۱۹- اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن،
 حداقل چهار فرسخ می‌رود، و چهار فرسخ برمی‌گردد، نمازش در این سفر
 هم شکسته است.

مسألة ۳۲۰- کسی که به مسافرت می‌رود، زمانی باید نمازش را
 شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که اذان آنجا را نشنود، یا
 این که اهل آنجا او را نبینند و نشانه آن این است که او اهل آنجا را نبیند و
 چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود، بخواند نماز بخواند، باید
 تمام بخواند.

مسألة ۳۲۱- اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از
 هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، اگر از راهی که

هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند.

مسألة ۳۲۲- در این موارد نماز تمام است:

۱. قبل از آن که هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد و یا در جایی قصد دارد ده روز بماند.
۲. از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده؛ مثل کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌گردد.
۳. قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود.
۴. کسی که شغل او مسافرت است، مثل راننده قطار و ماشینهای برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست) همچنین کسانی که برای کار یا تحصیل از جایی به جای دیگر رفت و آمد دارند.
۵. کسی که برای کارش بطور متعارف حداقل هفته‌ای سه روز مسافرت می‌رود و آخر هفته به وطن خود برمی‌گردد.
۶. کسی که به سفر حرام می‌رود؛ مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد. در همه اینها نماز تمام است.
۷. در این مکانها نیز نماز تمام است:
الف) در وطن.
ب) در جایی که بنا دارد ده روز بماند.
ج) در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده، باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

وطن کجاست؟

مسئله ۳۲۳- وطن، جایی است که انسان آن را برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است.

مسئله ۳۲۴- فرقی میان بلاد کبیره و غیر کبیره نیست. بلاد کبیره شهرهایی است که هر محله آن برای خود شهر مستقلی باشد اما مثل «تهران بزرگ» و مانند آن جزء بلاد کبیره نیست و تمام آن از نظر قصد اقامت یا وطن بودن یک محل محسوب می شود.

مسئله ۳۲۵- کسانی که می خواهند مدت قابل توجهی در یک محل بمانند (مانند طلبی که قصد اقامت چند سال در حوزه علمیه دارند یا مأموران ادارات که مثلاً دو سه سال در یک محل اقامت می کنند در آنجا مسافر محسوب نمی شوند، اقامتگاه آنها حکم وطن دارد و نمازشان در آنجا تمام است، هر چند قصد ده روز نداشته باشند).

مسئله ۳۲۶- فرزند، تا زمانی که با پدر و مادر زندگی می کند و مستقل نشده است، وطن او همان وطن پدر و مادر می باشد، هر چند در آنجا به دنیا نیامده باشد و پس از آن که در زندگی مستقل شد، اگر جای دیگری را برای زندگی مستمر اختیار کرد، آنجا وطن او می شود.

مسئله ۳۲۷- تا انسان قصد ماندن مستمر در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی شود.

مسئله ۳۲۸- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند؛ مثلاً یک سال یا بیشتر، آنجا مانند وطن او حساب می شود، مانند

دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می ماند.

مسأله ۳۲۹- اگر انسان بدون قصد ماندن مستمر و بدون قصد رفتن در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.

مسأله ۳۳۰- اگر به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم اکنون از آنجا اعراض کرده است؛ یعنی بنا گذاشته که دیگر برای سکونت مستمر به آنجا برنگردد، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه در آنجا خانه دارد یا گه گاه دیدن می کند.

مسأله ۳۳۱- مسافری که به وطنش بر می گردد، وقتی به جایی برسد که اهل وطن او را ببینند و صدای اذان را بشنود باید نماز را تمام بخواند.

قصد ده روز

مسأله ۳۳۲- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسأله ۳۳۳- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:
الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا

نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده شود.

مسأله ۳۳۴- انسان باید نمازهای واجب را در وقت معین آن بخواند و چنانچه خدای نکرده بدون عذر نمازی از او قضا شود گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم بجا آورد.

مسأله ۳۳۵- در دو مورد، بجا آوردن قضای نماز، واجب است:

الف) نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد.

ب) بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.

مسأله ۳۳۶- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.

مسأله ۳۳۷- قضای نمازهای روزانه لازم نیست به ترتیب خوانده شود، ولی اگر نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء یک روز باشد، باید به ترتیب بخواند.

مسأله ۳۳۸- کسی که می داند نماز قضا دارد، ولی شماره آنها را نمی داند؛ مثلاً نمی داند چهارتا بوده یا پنج تا، چنانچه کمتر را بخواند کافی است.

مسأله ۳۳۹- نماز قضا را باید به همان شکلی که قضا شده به جا آورد. اگر شکسته قضا شده، شکسته، و اگر به صورت تمام قضا شده تمام بجا آورند. اگر نماز ظهر و عصر بوده آهسته، و اگر صبح و مغرب و عشا بوده

مردان بلند بخوانند.

مسأله ۳۴۰- اگر شماره آنها را می دانسته، ولی اتفاقاً فراموش کرده است اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می کند.

مسأله ۳۴۱- چنانچه نمازها و روزه هایی که قضا شده، معلوم نباشد، آن مقدار که یقین دارد قضا شده بجا می آورد، و نسبت به مقدار مشکوک وظیفه ای ندارد.

مسأله ۳۴۲- نماز قضا را با جماعت می توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.

مسأله ۳۴۳- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگرچه در شهر خودش باشد.

مسأله ۳۴۴- در سفر نمی توان روزه گرفت، حتی روزه قضا، ولی نماز قضا می توان بجا آورد.

مسأله ۳۴۵- اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.

مسأله ۳۴۶- نماز قضا را در هر وقتی می توان بجا آورد.

نماز قضای پدر و مادر

مسأله ۳۴۷- پس از مرگ پدر یا مادر بر پسر بزرگتر او واجب است نماز و روزه هایی را که پدر یا مادر به خاطر عذری بجا نیاورده باشد، آن نماز و

روزه‌ها را قضا کند.

مسألة ۳۴۸- اگر پسر بزرگتر نمی‌داند که از پدر یا مادرش نماز و روزه‌ای قضا شده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و تفحص و جستجو نیز لازم نمی‌باشد.

مسألة ۳۴۹- اگر پسر بزرگتر از دنیا برود بر سایر پسران تکلیفی نیست.

مسألة ۳۵۰- بر پسر بزرگتر واجب است نمازها و روزه‌هایی که والدین بر اثر عذر شرعی ترک کرده و موفق بر قضای آن نشده‌اند را بجا آورد، و نسبت به غیر آن وظیفه‌ای ندارد. مگر اینکه وصیتی کرده باشند که مطابق آن باید عمل کرد. هر چند در صورت امکان شایسته است فرزندان نسبت به آنچه بر آنها واجب نیست نیز اقدام کنند.

نماز جماعت

وحدت امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است.

در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای تقوا و عدالت است پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می‌آورند.

کسی که در این نماز دسته‌جمعی، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او، در نماز از او پیروی می‌کند «مأموم» است.

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آن که در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در مضمون روایات اسلامی به اهمیت این عبادت پی می‌بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مسأله ۳۵۱- شرکت در نماز جماعت برای هر کسی مستحب است؛ بویژه برای همسایه مسجد.

مسأله ۳۵۲- مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسأله ۳۵۳- نماز جماعت، هر چند اول وقت خوانده نشود، از نماز فرادای اول وقت بهتر است.

مسأله ۳۵۴- نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فرادایی که آن را طول بدهد بهتر است.

مسأله ۳۵۵- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مسأله ۳۵۶- حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن، جایز نیست.

شرایط نماز جماعت

مسأله ۳۵۷- در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

۱. مأموم از امام جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است که، کمی عقب‌تر بایستد.

۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد. (مقدار کم و سرایشی مختصر مانعی ندارد).

۳. فاصله امام و مأموم و فاصله صفها، زیاد نباشد، و احتیاط آن است که فاصله بیش از دو سه قدم نباشد.

۴. بین امام و مأموم و همچنین بین صفها، چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صف مردها و زنها اشکال ندارد.

مسألة ۳۵۸- مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و فضیلت و تقوا در صف اول بایستند.

مسألة ۳۵۹- امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را بطور صحیح بخواند.

پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

مسألة ۳۶۰- در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می توان به «امام» اقتدا کرد، پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می آید.

مسألة ۳۶۱- حالتهای مختلف برای پیوستن به نماز جماعت:

رکعت اول

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی خواند و بقیة اعمال را با

امام جماعت بجا می آورد.

۲. در رکوع: رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می آورد.

(رکعت دهم)

۱. در بین قرائت: مأوموم حمد و سوره را نمی خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز، بنشیند^۱ و اگر نماز دو رکعتی است بعد از سلام امام یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که امام جماعت در رکعت سوم می باشد، حمد و سوره را خودش آهسته بخواند و آنگاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم برمی خیزد، مأوموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برای خواندن رکعت سوم برخیزد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد او نیم خیز می نشیند سپس یک رکعت دیگر را خودش می خواند.

۲. در رکوع: رکوع را با امام جماعت بجا می آورد و بقیه نماز را همانگونه که گفته شد، انجام می دهد.

(رکعت سوّم)

۱. در بین قرائت: زمانی که می داند اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره و

۱. به این عمل «تجافی» گفته می شود.

اگر امام به رکوع رفت فقط حمد را بخواند، ولی اگر می‌داند فرصت ندارد، باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲. در رکوع: چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت لازم نیست و بقیه نماز را همانگونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.

رکعت چهارم

۱. در بین قرائت: حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأموم بطور نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد و بقیه نماز را خودش بخواند.

۲. در رکوع: رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأموم است) و بقیه نماز را همانگونه که در مسأله قبل گذشت انجام می‌دهد.

احکام نماز جماعت

مسأله ۳۶۲- اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به او اقتدا کرد، بنابراین اگر امام، نماز عصر را می‌خواند، مأموم می‌تواند، نماز ظهر را به او اقتدا کند، و اگر مأموم پس از آن که نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود می‌تواند، نماز عصر را به ظهر امام اقتدا کند.

مسأله ۳۶۳- مأموم می تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتدا کند، هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد، مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می خواند و او قضای نماز صبح را.

مسأله ۳۶۴- نماز جماعت، حدّ اقل با دو نفر برپا می شود، یک نفر امام و یک نفر مأموم، مگر در نماز جمعه که حدّ اقل باید پنج نفر باشند.

مسأله ۳۶۵- نمازهای مستحبّی را نمی توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران.^۱

مسأله ۳۶۶- مأموم نباید تکبیرة الإحرام را پیش از امام بگوید.

مسأله ۳۶۷- مأموم، باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او، همراه رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را نیز خودش بخواند.

مسأله ۳۶۸- نماز فرادا به هنگام نماز جماعت، در صورتی که هتک نماز جماعت یا توهین به امام جماعت محسوب شود، جایز نیست، در غیر این صورت اشکالی ندارد.

مسأله ۳۶۹- در صورتی که دسترسی به روحانی واجد شرایط نباشد امامت غیر روحانی واجد شرایط امامت جماعت، اشکالی ندارد. ولی اگر دسترسی به روحانی واجد شرایط باشد، احتیاط آن است که او را مقدّم بدارند.

۱. به این نماز، نماز «استسقا» گفته می شود.

نماز جمعه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند، و برتر از نماز ظهر است.

در فضیلت این نماز، همین بس که سوره‌ای در قرآن به این نام آمده و در آنجا مؤمنان را به حضور در نماز جمعه، دعوت فرموده است.

چگونگی نماز جمعه

مسألة ۳۷۰- نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.

مسألة ۳۷۱- احتیاط آن است که امام جمعه، حمد و سوره را بلند بخواند.

مسألة ۳۷۲- در نماز جمعه مستحب است در رکعت اول پس از سوره حمد، سوره «جمعه» و در رکعت دوم پس از حمد، سوره «منافقون» خوانده شود.

مسألة ۳۷۳- در نماز جمعه دو قنوت مستحب است، یکی در رکعت اول، پیش از رکوع، و دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

شرایط نماز جمعه

مسألة ۳۷۴- در نماز جمعه شرایط زیر باید مراعات شود:

الف) تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است.

ب) باید به جماعت برگزار شود و فرادا صحیح نیست.

ج) حداقل تعداد افراد، برای برپایی نماز جمعه، پنج نفر می باشد؛ یعنی یک نفر امام، و چهار نفر مأوم.

د) بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.

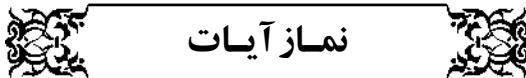
وظیفه نمازگزاران جمعه

مسأله ۳۷۵- بنابر احتیاط واجب مأومین باید به خطبه‌ها گوش دهند.

مسأله ۳۷۶- احتیاط واجب است که از سخن گفتن بپرهیزند هر چند سخن گفتن، نماز جمعه را باطل نمی کند.

مسأله ۳۷۷- احتیاط واجب آن است که شنوندگان، هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و به این طرف و آن طرف نگاه نکنند.

مسأله ۳۷۸- اگر انسان به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هر چند در رکوع، برساند صحیح است و رکعت دوم را خودش می خواند؛ ولی احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد.



نماز آیات

مسأله ۳۷۹- یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب پیش آمدن این حوادث واجب می شود: زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)،

کسوف (خورشیدگرفتگی)، و نیز رعد و برق شدید و وزیدن بادهای زرد و سرخ در صورتی که مایه وحشت اکثر مردم شود.

چگونگی نماز آیات

مسأله ۳۸۰- نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد. قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می شود؛ یعنی در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می شود، ولی می توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می شود. در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می آوریم:

رکعت اول

پس از تکبیرة الإحرام سوره حمد را بخواند و «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید و به رکوع رود.

سپس بایستد و بگوید: «قل هو الله احد» و به رکوع رود.

بار دیگر بایستد و بگوید: «الله الصمد» و به رکوع رود.

سر از رکوع بردارد و بگوید: «لم یلد و لم یولد» و به رکوع رود.

از رکوع سر بردارد و بگوید: «و لم یکن له کفو احد» و به رکوع رود.

و بعد از سر برداشتن از رکوع به سجده رود و پس از انجام دو سجده

برای رکعت دوم برخیزد و در همه رکوعها ذکر رکوع مطابق معمول گفته شود.

رکعت دهم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد.

احکام نماز آیات

مسأله ۳۸۱- اگر یکی از سبب‌های نماز آیات فقط در شهری اتفاق بیفتد، مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

مسأله ۳۸۲- اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است.

مسأله ۳۸۳- قنوت در نماز آیات مستحب است و اگر یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.

مسأله ۳۸۴- هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

مسأله ۳۸۵- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.

نمازهای مستحب^۱

مسأله ۳۸۶- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش بیان تمام آنها را ندارد، اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم:

۱. نماز مستحب را «نافله» گویند.

نماز عید

مسألة ۳۸۷- در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید در زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مستحب است.

وقت نماز عید

مسألة ۳۸۸- وقت نماز عید، از طلوع آفتاب است تا ظهر.

مسألة ۳۸۹- مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکات فطره^۱ را هم بدهند، سپس نماز عید را بخوانند.

چگونگی نماز عید

مسألة ۳۹۰- نماز عید دو رکعت است، با نُه قنوت و این گونه خوانده می شود:

* در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

* در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام بجا می آورد.

* در قنوت های نماز عید، هر دعا و ذکر بخوانند کافی است، ولی بهتر است، این دعا را بخوانند:

۱. زکات فطره یکی از واجب های مالی است که روز عید فطر باید قبل از نماز عید پرداخت شود.

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ، وَأَهْلَ الْعُقُوبِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكَرَامَةً وَمَزِيداً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».

نافله‌های شبانه‌روزی

نافله‌های شبانه‌روزی در غیر روز جمعه ۳۴ رکعت است که از جمله آنها یازده رکعت «نافله شب» و دو رکعت «نافله صبح» و دو رکعت «نافله عشا» می‌باشد که به صورت نشسته بجا آورده می‌شود و چهار رکعت «نافله مغرب» که ثواب بسیار دارد.^۱

نماز شب

مسأله ۳۹۱- نماز شب یازده رکعت است که بدین ترتیب خوانده

می‌شود:

چهار تا دو رکعت به نیت نافله شب، دو رکعت به نیت نافله شفع و یک رکعت به نیت نافله وتر.

۱. برای آشنایی بیشتر با نافله‌های شبانه‌روزی به رساله مسأله ۷۰۰ به بعد مراجعه کنید.

مسألة ۳۹۲- نماز شب که پس از نیمه شب بجا آورده می شود مجموعاً ۱۱ رکعت است. که ۸ رکعت آن تحت عنوان نافله شب به صورت چهار نماز ۲ رکعتی، و ۲ رکعت دیگر به نام نماز شفع، و یک رکعت آخر به عنوان نماز وتر انجام می پذیرد. و آداب زیر در قنوت نماز وتر مستحب است:

الف) طول دادن قنوت. ب) دعا برای چهل مؤمن. ج) هفتاد بار استغفار. د) سیصد بار العفو. و اگر کسانی نتوانند مستحبات مزبور را بجا آورند می توانند قنوت آنها مانند نمازهای معمولی بخوانند. حتی اگر کسانی وقت نداشته باشند یازده رکعت بجا آورند می توانند همان ۳ رکعت نماز شفع و وتر را بجا آورند.

وقت نماز شب

مسألة ۳۹۳- نماز شب آثار و فواید و نورانیت بسیار دارد و وقت آن از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

مسألة ۳۹۴- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می تواند آن را قبل از خوابیدن بجا آورد.

نماز عُفِيْلَه

مسألة ۳۹۵- یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «عُفِيْلَه» است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود (این نماز را باید به قصد رجا یعنی به امید ثواب بجا آورد).

کیفیت نماز غفیله

مسأله ۳۹۶- نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اول، پس از حمد

این آیه خوانده شود:

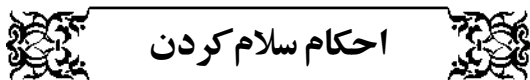
«وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَيَّرْنَاهُ مِنَ النِّعَمِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ».

و در رکعت دوم، پس از حمد، این آیه خوانده می شود:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ».

و در قنوت آن، این دعا خوانده می شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي]». بعد بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَ لِي نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي».



مسأله ۳۹۷- سلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب سلام واجب

است.

۱. به جای جمله «أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد. مثلاً بگوید «وَأَنْ تُرْزِقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

مسألة ۳۹۸- سلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می باشد، مکروه است.

مسألة ۳۹۹- اگر کسی به نمازگزار سلام کند، نمازگزار باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته: «سلامّ علیکم» در جواب بگوید: «سلامّ علیکم» و اگر گفت: «سلام»، بگوید: «سلام».

مسألة ۴۰۰- کسی که نماز می خواند، جایز نیست به دیگران سلام کند.

مسألة ۴۰۱- سلام را باید فوراً جواب داد.

مسألة ۴۰۲- اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر کدام واجب است، جواب سلام دیگری را بدهد.

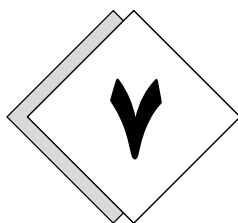
مسألة ۴۰۳- جواب سلام بچه نیز واجب است و اگر غیر مسلمان سلام کند در جواب فقط می گوید: «سلام».

آداب سلام کردن

مسألة ۴۰۴- مستحب است: سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و گروه اندک به گروه زیاد و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

مسألة ۴۰۵- مستحب است، در غیر نماز، جواب سلام را بهتر از آن بدهد، مثلاً اگر کسی بگوید: «سلامّ علیکم» مستحب است در جوابش بگوید: «سلامّ علیکم و رحمة الله».

مسألة ۴۰۶- سلام کردن مرد به زن جوان نامحرم مکروه است.



روزه

روزه یکی از عبادت‌های مهم اسلامی است که در هر سال تنها به مدت یک ماه، ماه مبارک رمضان، بر مسلمانان واجب می‌شود. و یکی از بهترین روش‌های خودسازی و تهذیب نفس است.

روزه از معدود عباداتی است که گناه بزرگ ریا و خودنمایی نمی‌تواند در آن نفوذ کند؛ زیرا شخصی که اهل روزه است و لیاقت بار یافتن به این ضیافت الهی را دارد هرگز به غیر از خدا به دیگری فکر نمی‌کند، و شخصی که لیاقت این عبادت بزرگ را ندارد و اهل روزه نیست، بلکه اهل ریا و خودنمایی است، لازم نیست روزه بگیرد و تظاهر کند، بلکه بدون این که روزه بگیرد بدروغ خود را روزه دار نشان می‌دهد!

روزه از ارکان پنجگانه اسلام، ابزار رسیدن به تقوا، سپر آتش جهنم، موجب سلامتی انسان، و خلاصه یکی از بهترین ابزار ترقی و قرب الی الله است.

نیت روزه

مسألة ۴۰۷- روزه یکی از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند بجا آورده شود و این همان «نیت» روزه است.

مسألة ۴۰۸- انسان می تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند، و بهتر است که شب اول ماه هم، روزه همه ماه را نیت کند.

مسألة ۴۰۹- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید، بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذان صبح، تا مغرب، کاری که روزه را باطل می کند، انجام ندهد کافی است، کسی که برای خوردن سحری برمی خیزد حتماً نیت روزه دارد.

مسألة ۴۱۰- دو روز از سال روزه اش حرام است: عید فطر (اول ماه شوال) و عید قربان (دهم ماه ذی الحجه)

مسألة ۴۱۱- روزه روز عاشورا مکروه است هم چنین روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان و روزه میهمان بدون اجازه میزبان نیز کراهت دارد.

مسألة ۴۱۲- روزه تمام روزهای سال، غیر از روزه های حرام و مکروه مستحب است ولی بعضی از روزها تأکید بیشتری دارد از جمله:

۱. پنجشنبه اول و آخر هر ماه و اولین چهارشنبه بعد از دهم ماه، حتی اگر کسی اینها را بجا نیاورد مستحب است قضا کند.

۲. سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه.

۳. تمام ماه رجب و شعبان و اگر نتواند قسمتی از آن را روزه بگیرد هر چند یک روز باشد.

۴. روز بیست و چهارم ذی الحجه و بیست و نهم ذی القعدة.
۵. روز اول ذی الحجه تا روز نهم، ولی اگر به واسطه ضعف در روز نهم نتواند دعاهاى روز عرفه را بخواند روزه آن روز مکروه است.
۶. عيد سعيد غدیر (۱۸ ذی الحجه)
۷. روز تولد پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (۱۷ ربیع الاول)
۸. روز اول و سوم و هفتم محرم
۹. روز مبعث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (۲۷ رجب)
۱۰. روز عيد نوروز

مُبطلات روزه

مسأله ۴۱۳- چنان که گفتیم روزه دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را عمداً انجام دهد، روزه اش باطل می شود، به مجموعه این کارها «مُبطلات روزه» گفته می شود، که از جمله آنهاست:

۱. خوردن و آشامیدن.
۲. استمنا.
۳. رساندن غبار غلیظ به حلق.
۴. فرو بردن تمام سر در آب.
۵. قی کردن عمدی.
۶. دروغ بستن به خدا و پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام.
۷. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

بجز آنچه گفته شد، کارهای دیگری نیز روزه را باطل می‌کند که برای آشنایی با آنها، می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۳۳۵ مراجعه کنید.

احکام مُبطلات روزه فوردن و آشامیدن

مسأله ۴۱۴- اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسأله ۴۱۵- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسأله ۴۱۶- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هرچند زیاد باشد.

مسأله ۴۱۷- اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود، خواه کم باشد یا زیاد.

مسأله ۴۱۸- انسان نمی‌تواند، بخاطر ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، یا سبب بیماری می‌شود، خوردن روزه اشکال ندارد.

استمنا

مسأله ۴۱۹- اگر روزه‌دار با خود کاری کند که منی^۱ از او بیرون آید

۱. منی رطوبتی است که در اوج شهوت جنسی با جستن از مجرای ادرار خارج شود.

روزه‌اش باطل می‌شود^۱، اما اگر بی‌اختیار در حال خواب یا بیداری بیرون آید، روزه باطل نمی‌شود.

مسأله ۴۲۰- هرگاه روزه دار می‌داند که اگر در روز بخوابد محتمل می‌شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می‌آید، جایز است بخوابد و چنانچه محتمل شود برای روزه او اشکالی ندارد.

تزریق آمپول

مسأله ۴۲۱- تمام انواع آمپول‌های دارویی یا تقویتی که به صورت عضلانی تزریق می‌شوند و همچنین تزریق عضلانی واکسن برای افراد روزه دار اشکالی ندارد ولی تزریق آمپول‌ها و سرم‌های وریدی (در رگ) جایز نیست و اگر مجبور است که آن را تزریق کند روزه او باطل می‌شود.

(سازدن غبار غلیظ به حلق)

مسأله ۴۲۲- اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی، مانند خاک.

فرو بردن تمام سر در آب

مسأله ۴۲۳- اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود. ولی دوش حمام و مانند آن مانعی ندارد.

مسألة ۴۲۴- اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود؛ ولی همین که فهمید باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

قی کردن

مسألة ۴۲۵- هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، هرچند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسألة ۴۲۶- اگر روزه‌دار نداند روزه است، یا بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام

مسألة ۴۲۷- هرگاه روزه‌دار دروغی به خدا و پیغمبر اکرم ﷺ و جانشینان معصوم او علیهم السلام نسبت دهد خواه باگفتن باشد، یا نوشتن، یا اشاره و مانند آن، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود، هر چند بلافاصله توبه کند. دروغ بستن به سایر انبیا و فاطمه زهرا علیهم السلام نیز همین حکم را دارد.

باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

مسألة ۴۲۸- اگر شخص جنب عمداً تا صبح غسل نکند بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است ولی اگر توانایی بر غسل ندارد یا وقت تنگ است تیمم نماید، اما اگر از روی عمد نباشد روزه‌اش صحیح است.

مسأله ۴۲۹- اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید، مثلاً اگر نمی‌داند سه روز جنب بوده یا چهارروز، باید سه روز را قضا کند و قضای روز چهارم احتیاط مستحب است.

مسأله ۴۳۰- هرگاه روزه‌دار در روز محتلم شود بهتر است فوراً غسل کند اما اگر نکند برای روزه‌اش اشکالی ندارد.

مسأله ۴۳۱- هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده روزه‌اش صحیح است، خواه بدانند پیش از اذان محتلم شده، یا بعد از آن و یا شک داشته باشد.

قضا و کفاره روزه

قضای روزه

مسأله ۴۳۲- اگر کسی روزه ماه رمضان را در وقت آن نگیرد، یا آن را باطل کند، باید بعد از ماه رمضان قضای آن را بجا آورد.

کفاره روزه

مسأله ۴۳۳- کسی که بدون عذر روزه خود را با یکی از مبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را بجا آورده و یکی از این کارها را نیز انجام دهد (و این همان کفاره روزه است):

* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی‌درپی باشد.

* سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مدّ طعام^۱ به هر یک از آنها،

۱. مدّ طعام تقریباً ده سیر (۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند اینهاست.

کسی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این دورا انجام دهد، و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، باید یا ۱۸ روز روزه بگیرد و یا چند مدّ طعام به فقیر بدهد و اگر نتواند، هرچند روز را که می تواند روزه بگیرد و اگر آن را هم نتواند انجام دهد، باید استغفار کند.

احکام قضا و کفّاره روزه

مسأله ۴۳۴- لازم نیست قضای روزه را فوراً بجا آورد، ولی بنا بر احتیاط

واجب باید تا رمضان سال بعد، انجام دهد.

مسأله ۴۳۵- انسان نباید در بجا آوردن کفّاره کوتاهی کند، ولی لازم

نیست، فوراً آن را انجام دهد و اگر چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی شود.

مسأله ۴۳۶- اگر به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از

رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را بجا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

مسأله ۴۳۷- اگر به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و آن بیماری تا

رمضان سال بعد طول بکشد قضای آن ساقط می شود، ولی باید برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

مسأله ۴۳۸- هرگاه کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین

نکند یا خیال کند شوخی می کند و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود که صحیح بوده؛ قضا لازم دارد.

روزهٔ مسافر

مسألهٔ ۴۳۹- مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نمی‌تواند در آن سفر روزه بگیرد؛ ولی باید قضای آن را بجا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسألهٔ ۴۴۰- اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزهٔ خود را تمام کند و صحیح است.

مسألهٔ ۴۴۱- اگر روزه‌دار پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به «حدّ ترخّص» برسد؛ یعنی به جایی برسد که صدای اذان شهر را نشنود و اهل آنجا او را نبینند، باید روزهٔ خود را رها کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، علاوه بر قضا، بنا بر احتیاط واجب، کفاره هم دارد.

مسألهٔ ۴۴۲- مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.

مسألهٔ ۴۴۳- اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده است، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، باید بعداً قضای آن را بجا آورد.

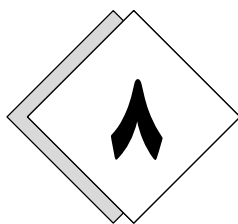
مسألهٔ ۴۴۴- اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند برسد، نباید آن روز را روزه بگیرد، و بعداً قضای آن را بجا می‌آورد.

زکاتِ فطره

مسأله ۴۴۵- کسانی که فقیر نیستند؛ یعنی هزینه سال خود را دارند، باید روز عید فطر مقداری از مال خود را به عنوان زکاتِ فطره به فقیر بدهند.

مقدار و جنس زکات فطره

مسأله ۴۴۶- برای خودش و کسانی که نان خور او هستند؛ مانند همسر و فرزند، هر نفر یک صاع (تقریباً سه کیلو) گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها و نیز اگر پول یکی از اینها داده شود کافی است. و احتیاط واجب آن است که از جنس یکی از مواد غذایی باشد که در آن شهر معمول و متعارف است، می دهد.



خمس

خمس یکی از عبادات مالی است که تحت شرایط ویژه بر افراد خاصی واجب می‌شود. خمس پشتوانهٔ مطمئن و مناسبی برای بیت‌المال مسلمین می‌باشد. خمس قسمتی از خلأ اقتصادی موجود در جامعهٔ اسلامی را پر نموده، و بودجهٔ مورد نیاز فعالیت‌هایی که جنبهٔ دینی دارد را تأمین می‌کند.

مسألهٔ ۴۴۷- در هفت چیز، خمس واجب است، از جمله آنها:

(الف) آنچه از درآمد کسب و کار، از خرج سال زیاد بیاید.

(ب) مال حلال مخلوط به حرام.

مسألهٔ ۴۴۸- پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و

تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفت‌گانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند.

یکی از آن موارد که اکثر افراد جامعه را در بر می‌گیرد «خمس درآمد کسب و کار است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید».

[اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را به پرداخت خمس مقدم داشته است، بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، خمس بر او واجب نیست، ولی پس از آن که بطور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند، اگر در پایان سال چیزی اضافه آمد، $\frac{1}{5}$ آنچه را که اضافه آمده است باید به مجتهد جامع‌الشرایط برای مصارف اجتماعی مهمی بپردازد و $\frac{4}{5}$ آن را می‌تواند پس‌انداز کند.]

احکام خمس

مسألة ۴۴۹- انسان تا خمس مال خود را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند، یعنی غذایی را که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و در چنان لباسی نمی‌تواند نماز بخواند و با پولی که خمس آن را نداده نمی‌تواند چیزی بخرد.

مسألة ۴۵۰- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسألة ۴۵۱- اگر کودک غیربالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، و تا زمان بلوغ باقی بماند بنا بر احتیاط واجب باید پس از بلوغ، خودش خمس آن را بدهد و بر ولی او واجب نیست که قبل از بلوغ او بدهد.

مسأله ۴۵۲- اگر اجمالاً می‌دانید کسی عقیده به خمس دارد و خمس نمی‌دهد ولی نمی‌دانید خصوص مالی را که به ما داده خمس به آن تعلق گرفته یا نه، مثل این که احتمالاً اموالی از طریق ارث به او رسیده، یا وام گرفته و احتمال می‌دهید این مال از آنها باشد، تصرف در چنین مالی اشکال ندارد و خمس آن لازم نیست، همچنین قبول دعوت این‌گونه اشخاص و یا نماز خواندن در خانه آنها جایز است، مگر این که بدانید غذایی را که تهیه کرده و یا خانه او از پولهایی است که خمس آن را نداده است، در این صورت ما به شما اجازه می‌دهیم در آن مال یا غذا تصرف کنید و معادل خمس آن را به سیّد نیازمندی بپردازید.

مصرف خمس

مسأله ۴۵۳- خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است باید به مجتهد جامع الشرائط یا نماینده او پرداخت شود و نصف دیگر را به سادات نیازمند بدهند.

مسأله ۴۵۴- به سیدی که دوازده امامی نیست نمی‌توان خمس داد و هم چنین به کسی که واجب النّفقه است مثلاً انسان نمی‌تواند به زنش که سیّده است خمس خود را بدهد مگر این که آن زن ناچار باشد مخارج اشخاص دیگری را که واجب النّفقه مرد نیستند، بپردازد.



زکات

زکات نیز از عبادات مالی اسلام است، و با شرایط خاصی واجب می‌شود. در اهمیت زکات همین بس که خداوند متعال در نزدیک به سی آیه قرآن، پس از دستور به نماز، سفارش به زکات می‌کند، گویی رابطه‌ای عمیق بین نماز و زکات است، به گونه‌ای که نماز بی زکات، نماز مقبولی نخواهد بود.^۱

روایات فراوانی نیز در مورد زکات وجود دارد، از جمله در روایتی می‌خوانیم که: «مانع زکات و شخصی که زکات بر او واجب شده و نمی‌پردازد مسلمان از دنیا نمی‌رود!».^۲

زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد، یک قسم از آن زکات بدن و حیات انسان است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳، ح ۱.

۲. همان مدرک، ص ۱۸، ح ۳ و ۵.

می‌شود و تنها بر کسانی که قدرت پرداخت آن را (از نظر مالی) دارند واجب است، مسائل این نوع از زکات در پایان بحث روزه گذشت.

قسم دیگر، زکات اموال است و تنها نه چیز (گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره سگه‌دار) است که زکات واجب دارد.

مسألة ۴۵۵- مصرف زکات هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد و برخی از آن موارد بدین قرار است:

۱. فقیر و مسکین.

۲. بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.

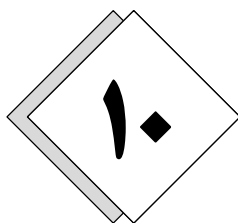
۳. غیرمسلمانانی که اگر به آنها زکات داده شود، به دین اسلام مایل می‌شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.

۴. سبیل الله (در راه خدا)؛ یعنی در کارهایی که برای اسلام نفع داشته باشد؛ مانند ساختن مسجد، کتابخانه، کارهای فرهنگی و تبلیغی و تقویت رزمندگان اسلام.^۱

۵. ابن السبیل؛ یعنی مسافری که در سفر مانده و محتاج شده، به مقدار نیازش می‌تواند از زکات استفاده کند هر چند در محل خود غنی و بی‌نیاز باشد.

* افراد ضعیف الایمانی که با گرفتن زکات تقویت می‌شوند و تمایل به اسلام پیدا می‌کنند می‌توانند از زکات استفاده کنند.

۱. برای آشنایی با سایر موارد زکات می‌توانید به رساله توضیح المسائل، بحث مصرف زکات، مسألة ۱۶۴۱ مراجعه کنید.



حج

حج یکی از ارکان مهمّ اسلام، و از بزرگترین فرائض دینی است. حج در تمام طول عمر انسان، طبق شرائط خاصّی، یکبار بر انسان واجب می‌شود که با انجام آن تولّدی دوباره می‌یابد، و «مانند روزی که از مادر متولّد شده، از گناهان پاک می‌شود».^۱ به بخشی از احکام حج توجه فرمائید:

مسألة ۴۵۶- «حج» یعنی زیارت خانهٔ خدا و انجام اعمالی که آنها را مناسک حج می‌نامند و در تمام عمر یکبار بر همهٔ کسانی که دارای شرایط زیر باشند واجب است:

۱- بالغ بودن ۲- عاقل بودن ۳- با انجام حج، عمل واجب دیگری که مهمتر از حج است ترک نشود یا کار حرامی که اهمّیتش در شرع بیشتر است بجا نیآورد. ۴- استطاعت و آن به چند چیز حاصل می‌شود:

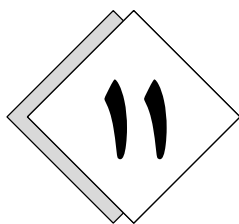
۱- داشتن زادوتوشه راه و آنچه در سفرش به آن محتاج است و مرکب سواری مورد نیاز، یا مالی که بتواند به وسیله آن، اینها را به دست آورد.
 ۲- نبودن مانعی در راه و عدم وجود ترس از خطرو ضرر بر جان و عرض و مال خویش، که اگر راه بسته است یا ترس از خطری وجود دارد حج بر او واجب نیست، ولی اگر راه دیگری دارد هر چند دورتر است لازم است از آن راه به حج رود. ۳- توانایی جسمانی بر انجام مناسک حج. ۴- داشتن وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام مناسک. ۵- داشتن مخارج کسانی که خرج آنها بر او شرعاً یا عرفاً لازم است. ۶- داشتن مال یا کسب و کاری که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند.

مسألة ۴۵۷- کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد، احتیاط واجب آن است که آن را بجا آورد، هر چند استطاعت و توانایی بر انجام حج را نداشته باشد و یک مرتبه در تمام عمر بیشتر واجب نیست و تکرار آن مستحب است.

مسألة ۴۵۸- عمره را در هر ماهی از سال می توان بجا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماهها بهتر است^۱، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است.

مسألة ۴۵۹- بر اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج استطاعت دارند واجب است ثبت نام کنند، همچنین اگر فقط توانایی بر انجام عمره مفرده داشته باشند، احتیاط واجب آن است که در وقت اسم نویسی آن، ثبت نام کنند.

۱. روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.



خرید و فروش

مسأله ۴۶۰- یاد گرفتن احکام معامله، به مقداری که مورد احتیاج می باشد، واجب است.

مسأله ۴۶۱- فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله دیگر برای استفاده حرام، حرام است.

مسأله ۴۶۲- خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتابهای گمراه کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد، مثلاً برای پاسخ دادن به اشکالهای آن، البته برای کسانی که قدرت این کار را دارند.

مسأله ۴۶۳- فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، حرام است؛ مثلاً شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد (این عمل را غش در معامله می گویند).

مسألة ۴۶۴- در معامله باید خصوصیات جنسی را که خرید و فروش می‌کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصیات که گفتن و نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست. (مثلاً لازم نیست بگوید این گندم مال کدام مزرعه است).

مسألة ۴۶۵- خرید و فروش دو کالای همجنس - که با وزن یا پیمانه می‌فروشند - به زیادتُر «ریا» و حرام است؛ مثلاً یک تُن گندم بدهد و یک تُن و دویست کیلوگرم بگیرد. (هرچند گندم اول مرغوبتر باشد).

مسألة ۴۶۶- خرید و فروش رادیو و تلویزیون و سایر وسایلی که دارای منافع مباح و مشروع قابل ملاحظه است، جایز است.

مسألة ۴۶۷- خرید و فروش خون برای نجات جان بیمار جایز است، ولی در مورد خرید و فروش اعضای بدن مانند کلیه و امثال آن، احتیاط واجب آن است که اگر پولی می‌خواهند بگیرند در مقابل اجازه برداشتن عضو از بدن شخص دهنده بوده باشد، نه در مقابل خود عضو و اصل این کار در صورتی جایز است که برای دهنده تولید خطر نکند.

مسألة ۴۶۸- خریدار و فروشنده در تعیین نرخ کالا آزادند، ولی اگر این آزادی در مواردی سبب فساد و اختلال نظام اقتصادی جامعه اسلامی گردد، حاکم شرع در چنین مواردی می‌تواند تعیین نرخ کند و مردم را به آن ملزم سازد.

مسألة ۴۶۹- مستحب است فروشنده در قیمت بین مشتریها فرق نگذارد و در قیمت جنس سخت‌گیری نکند و سود عادلانه‌ای برای خود در نظر بگیرد و درخواست بهم زدن معامله را از کسی که پشیمان است

بپذیرد.

مسأله ۴۷۰- قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد حرام است.

بهم زدن معامله (فسخ)

مسأله ۴۷۱- در برخی موارد فروشنده یا خریدار می‌توانند معامله را بهم بزنند که از جمله آنهاست:

الف) خریدار یا فروشنده گول خورده و مغبون شده باشد.

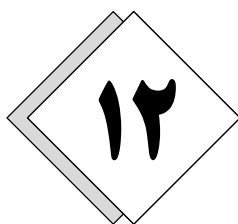
ب) در هنگام معامله قرارداد کرده‌اند که تا مدت معینی، هردو یا یکی از آنها بتوانند معامله را بهم بزنند؛ مثلاً هنگام خرید و فروش بگویند، هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می‌تواند پس بدهد.

ج) خریدار و فروشنده از محلّ معامله متفرّق نشده باشند، مثلاً از صاحب مغازه کالایی را خریداری کرده، قبل از آن که آن محل را ترک کند می‌تواند آن را پس بدهد.

د) کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد.

* فروشنده برای کالای خود که خریدار آن را ندیده، خصوصیات را بیان کرده و بعداً معلوم شود آن گونه نبوده است؛ مثلاً بگوید این دفتر ۲۰۰ برگ است بعداً معلوم شود کمتر است.

مسأله ۴۷۲- اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً آن را بهم نزند، بنابر احتیاط واجب دیگر حقّ بهم زدن معامله را ندارد. ولی مقداری تأخیر برای فکر کردن مانعی ندارد.



قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در دنیا و در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

اقسام قرض

۱. مدت‌دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد.
۲. بدون مدت: قرضی که زمان پرداخت آن مشخص نشده است.

احکام قرض

مسأله ۴۷۳- اگر قرض مدت‌دار باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام

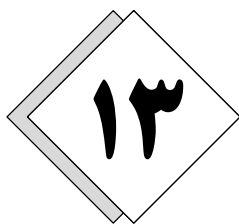
شدن مدّت، طلب خود را درخواست کند.

مسألة ۴۷۴- اگر قرض مدّت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد می تواند طلب خود را درخواست کند. ولی مهلت دادن به کسی که برای پرداخت بدهی خود در زحمت است بسیار خوب است.

مسألة ۴۷۵- اگر طلبکار، طلب خود را درخواست کند؛ چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.

مسألة ۴۷۶- اگر قرض دهنده شرط کند که پس از مدّتی، مثلاً یک سال دیگر، زیادتر بگیرد، و یا کاری برای او انجام دهد، ربا و حرام است؛ مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یک صد و بیست هزار تومان بگیرد، یا لباسی برای وی بدوزد، یا او هم در آینده قرض دهد.

مسألة ۴۷۷- اگر قرض دهنده شرط نکرده باشد که زیادتر بگیرد، ولی خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحبّ است.



عاریه و امانتداری

«عاریه» آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد؛ مثل آن که دو چرخه خود را به کسی می‌دهد تا منزل برود و برگردد، یا کتابی را به رفیق خود برای مطالعه بدهد.

«امانت» آن است که انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد (بدون حق استفاده) و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.

مسأله ۴۷۸- کسی که چیزی را عاریه داده، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بدهد.

مسألة ۴۷۹- اگر مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود: اگر در نگهداری از آن کوتاهی، و یا در استفاده آن زیاده‌روی نکرده است، ضامن نیست. ولی اگر در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.

مسألة ۴۸۰- اگر قبلاً شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود عاریه‌کننده ضامن است، باید خسارت را در هر حال بپردازد.

احکام امانتداری

مسألة ۴۸۱- کسی که توانایی ندارد از امانت نگهداری کند، نباید چیزی را به امانت قبول کند.

مسألة ۴۸۲- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند (به شرط این که امانت به خطر نیفتد).

مسألة ۴۸۳- کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر امانت، پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد.

مسألة ۴۸۴- امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند، که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است.

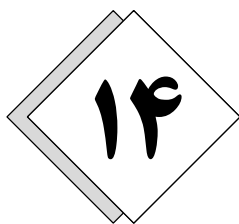
مسألة ۴۸۵- اگر امانت مردم از بین برود دو حالت دارد:

الف) اگر امانتدار در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را

به صاحبش بدهد.

ب) اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بطور اتّفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً سیل برده، یا سارقی آن را از محلّ امن و امان دزدیده است، در این صورت امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.

مسأله ۴۸۶- امانتدار نمی‌تواند از امانت استفاده کند، مگر با اجازه صاحب آن، و اگر صاحب امانت بمیرد باید آن را به ورثه او بدهد.



احکام ازدواج

بی شک هیچ شالوده‌ای مقدّس‌تر از شالودهٔ بنای رفیع ازدواج نیست، زیرا در سایهٔ این بنای مقدّس، زن و شوهر به آرامش می‌رسند، و نیازهای طبیعی خود را بر طرف می‌سازند، و علاوه بر ساختن آیندهٔ خود در دنیا، برای جهان آخرت خود نیز بهتر گام بر می‌دارند، و بدینسان امنیت و آرامش جهان آخرت را نیز در این جهان و با این امر مقدّس پایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین، درخت پرثمر ازدواج میوه‌های شیرینی همچون آرامش فردی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی دارد، بدین جهت در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام فوق العاده مورد تأکید قرار گرفته است. به بخشی از احکام ازدواج توجه فرمایید:

مسألهٔ ۴۸۷- کسی که به واسطهٔ نداشتن همسر به حرام می‌افتد؛ و آلوده به بی‌عفتی می‌شود واجب است ازدواج کند.

مسئله ۴۸۸- در ازدواج باید ولی دختر به آن ازدواج راضی بوده و صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.

مسئله ۴۸۹- بهتر است صیغه عقد را فرد عالمی بخواند که از تمام شرایط آن آگاه است.

نگاه کردن

یکی از نعمت‌های خداداد، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و هموعانش استفاده کند، و آن را از نگاه به نامحرمان باز دارد، گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی‌های آن، اشکال ندارد، ولی نگاه به دیگران، احکام خاصی دارد که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم:

مَحْرَم و نامَحْرَم

مسئله ۴۹۰- محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و نگاه به او اشکالی ندارد.

مسئله ۴۹۱- افراد زیر به خاطر رابطه نسبی بر پسرها و مردان

محرمند:

الف) مادر و مادر بزرگ.

ب) دختر و دختر فرزند (نوه).

- (ج) خواهر.
- (د) خواهر زاده (دختر خواهر).
- (ه) برادر زاده (دختر برادر).
- (و) عمّه (عمّه خودش و عمّه پدر و مادرش).
- (ز) خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).
- و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج محرم می شوند، از جمله آنهاست:
- (الف) همسر
- (ب) مادر زن و مادر بزرگ او.
- (ج) زن پدر (نامادری).
- (د) زن پسر (عروس)
- (ه) زن برادر و خواهر زن نامحرمند؛ همچنین زن عمو و زن دایی.

نگاه به دیگران

مسأله ۴۹۲- بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس باشد مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.

مسأله ۴۹۳- پسرها و مردان می توانند به آن مقدار از بدن زنانی که محرم هستند نگاه کنند که معمولاً آن را در برابر محرم نمی پوشانند.

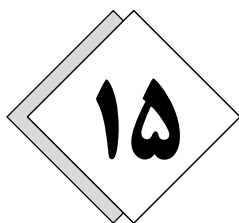
مسأله ۴۹۴- پسرها و مردان نمی توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند، ولی نگاه کردن به دستها تا میچ و صورت به مقدار گردی صورت، اگر

به قصد لذت بردن نباشد، اشکال ندارد.

مسألة ۴۹۵- سینه زدن در کوچه و خیابان با این که زنها می بینند در صورتی که سینه زن، پیراهن پوشیده باشد، اشکال ندارد ولی اگر برهنه باشد، جایز نیست.

مسألة ۴۹۶- نگاه کردن به زنان نامحرم در تلویزیون چنانچه موجب فساد و انحراف نشود، جایز است.

مسألة ۴۹۷- شنیدن صدای نامحرم در صورتی که به قصد لذت نباشد و سبب افتادن در گناه نشود، اشکالی ندارد.



غصب

غصب آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود.

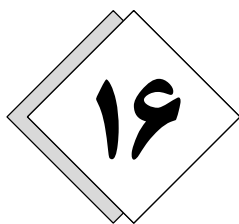
غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهنده آن در قیامت به عذاب سخت گرفتار می‌شود. و در این جهان نیز عواقب دردناکی دارد.

مسألة ۴۹۸- اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آن که کار حرامی کرده، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.

مسألة ۴۹۹- اگر چیزی را که غصب کرده، خراب کند، باید آن را برگرداند و تفاوت قیمت آن را هم بدهد.

مسألة ۵۰۰- اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد، مثل این که دو چرخه را تعمیر کرده، باید آن را به

همان صورت، به او بدهد، و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود، به علاوه باید معادل کرایه آن را در مدتی که غصب کرده، بپردازد.



اشیای گشده

مسأله ۵۰۱- اگر شخصی چیزی پیدا کند ولی بر ندارد، وظیفه خاصی بر عهده اش نمی آید.

مسأله ۵۰۲- اگر چیزی پیدا کند و بر دارد، احکام خاصی به این شرح دارد:

اگر قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سگه دار^۱ است و صاحب آن معلوم نباشد می تواند برای خودش بر دارد؛ ولی اگر صاحبش پیدا شد بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را به او بدهد.

اگر قیمت آن بیشتر از ۱۲/۶ نخود نقره سگه دار است؛ ولی نشانه ای دارد که می توان با آن صاحبش را پیدا کرد باید تا یک هفته هر روز و بعد از آن هفته ای یک بار اعلام کند و چنانچه تا یک سال اعلام کرد و صاحبش

۱. قیمت ۱۲/۶ نخود نقره، هم اکنون در بازار در حدود ۵۰۰۰ ریال است (۱۳۸۷ هجری شمسی).

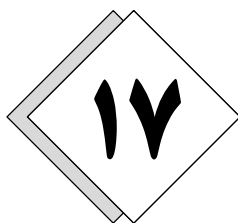
پیدا نشد می تواند برای خودش بردارد به قصد آن که: اگر صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش به شخص نیازمندی صدقه بدهد.

مسألة ۵۰۳- اگر می داند، اعلام کردن فایده ندارد و یا از پیدا شدن صاحبش ناامید شده است، اعلام لازم نیست، و آن را به شخص نیازمندی بدهد.

عوض شدن کفش

مسألة ۵۰۴- اگر کفش انسان را ببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، چنانچه می داند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده است، و دسترسی به او ندارد، می تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، و از پیدا شدن صاحبش ناامید شود، باید مبلغ اضافی را به شخص فقیری بدهد.

مسألة ۵۰۵- اگر احتمال می دهد، کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، و دسترسی به او نیست، باید صاحبش را جستجو کند و چنانچه از پیدا کردن وی مأیوس شود، قیمت آن یا خودش را، به شخص نیازمندی می دهد.



خوردن و آشامیدن

خداوند بزرگ برای استفادهٔ انسانها، طبیعت زیبا و تمام حیوانات و میوه‌ها و سبزیجات را در اختیار آنها قرار داده است، تا از آن برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود بهره‌گیرند، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامت جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این قسمت با برخی از آنچه که در رابطهٔ با خوراکیها و آشامیدنیهاست آشنا می‌شوید:

مسألهٔ ۵۰۶- خوردن چیزی که برای انسان ضرر مهمّی دارد حرام است.

مسألهٔ ۵۰۷- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مسألهٔ ۵۰۸- خوردن گل حرام است.

مسألهٔ ۵۰۹- خوردن کمی از تربت سیدالشهدا علیه السلام برای شفا از بیماری

اشکال ندارد (می‌توانند این مقدار کم را در آب حل کنند و عده‌ای بخورند).

مسألة ۵۱۰- خوردن گوشت و پوست و تخم (خاویار) ماهی‌هایی که پولک ندارند حرام است ولی خوردن میگو حلال است.

مسألة ۵۱۱- خوردن یا نوشیدن چیزی که برای انسان ضرر مهممی دارد حرام است، کشیدن سیگار و سایر انواع دخانیات مخصوصاً مواد مخدر مطلقاً حرام است خواه به صورت تزریق یا دود کردن یا خوردن و یا به هر طریق دیگری بوده باشد. و همچنین تولید، خرید و فروش و هرگونه کمک به انتشار آن حرام است.

مسألة ۵۱۲- منظور از شراب هر مایع مست‌کننده‌ای است و آبجو نیز جزء مشروبات الکلی است، حتی نوشیدن یک قطره شراب و کمتر از آن نیز حرام است.

مسألة ۵۱۳- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که به خاطر گرسنگی یا تشنگی جانش در خطر است آب و غذا داده و او را از مرگ نجات دهد.

آداب غذا خوردن

مسألة ۵۱۴- این کارها در رابطه با غذا خوردن مستحب است:

۱. دستها را قبل و بعد از غذا خوردن بشوید.
۲. در اوّل غذا «بسم‌الله» و در پایان «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویند.
۳. با دست راست غذا بخورد.

۴. لقمه را کوچک بردارد.
۵. غذا را خوب بجود.
۶. میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.
۷. اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.
۸. میزبان پیش از همه شروع به خوردن کند و بعد از همه دست بکشد. (تا میهمانها خجالت نکشند).

مسألة ۵۱۵- این کارها در رابطه با غذا خوردن مکروه است:

۱. در حال سیری غذا خوردن.
۲. پرخوری (زیاد غذا خوردن).
۳. نگاه کردن به دیگران هنگام غذا خوردن.
۴. خوردن غذای داغ.
۵. فوت کردن به غذایی که می‌خورد.
۶. پاره کردن نان با کارد.
۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا.
۸. دور انداختن بقیه میوه، پیش از آن‌که کاملاً آن را بخورد.

آداب آب نوشیدن

مسألة ۵۱۶- در نوشیدن آب رعایت این امور سزاوار است:

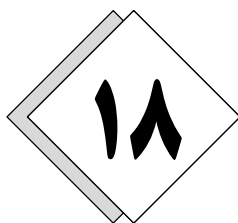
۱. در روز ایستاده و در شب نشسته آب بخورد.
۲. پیش از آشامیدن آب «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.

۳. به سه نفس آب بیاشامد. (با یک نفس آب نخورد).

۴. پس از آشامیدن آب، بر حضرت امام حسین علیه السلام و خاندان و یاران او سلام بفرستد و قاتلان ایشان را لعنت کند.

مسألة ۵۱۷- در نوشیدن آب این امور سزاوار نیست:

۱. زیاد آشامیدن.
۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب.
۳. با دست چپ آب نوشیدن.
۴. در شب، ایستاده آب نوشیدن.
۵. آب مشکوک یا آلوده نوشیدن.
۶. از کوزه شکسته و ظرف آلوده آب خوردن.



نذرتم

مسألة ۵۱۸- «نذر» آن است که کار خیری را برای خدا بر عهده خود قرار دهد، یا ترک کاری که نکردن آن بهتر است.

مسألة ۵۱۹- نذر بر دو قسم است: نذری که به صورت «مشروط» انجام می‌شود، مثلاً می‌گوید: چنانچه مریض من خوب شود انجام فلان کار برای خدا بر عهده من است (این را «نذر شکر» گویند) یا اگر مرتکب فلان کار بد شوم فلان کار خیر را برای خدا انجام خواهم داد (و آن را «نذر زجر» گویند)، دوم نذر مطلق است و آن این‌که بدون هیچ قید و شرطی بگوید: «من برای خدا نذر می‌کنم که نماز شب بخوانم» و همه اینها صحیح است.

شرایط و احکام نذر

مسألة ۵۲۰- نذر در صورتی صحیح است که برای آن صیغه خوانده

شود، خواه به عربی باشد یا زبانهای دیگر، بنابراین اگر بگویند چنانچه فلان حاجت من روا شود برای خدا بر من است که فلان مقدار مال را به فقیر بدهم، نذر او صحیح است، بلکه اگر بگویند نذر می‌کنم برای خدا اگر فلان حاجت من روا شود فلان کار خیر را انجام دهم، کافی است.

مسألة ۵۲۱- نذر در صورتی صحیح است که از انسان بالغ و عاقل صورت گیرد و از روی اختیار و قصد باشد، بنابراین نذر از روی اجبار، یا به واسطهٔ عصبانی شدن و از دست دادن اختیار، صحیح نیست.

مسألة ۵۲۲- نذر فرزند احتیاجی به اجازهٔ پدر ندارد، مگر این که کار او مایهٔ آزار پدر باشد که در این صورت نذر او صحیح نیست.

مسألة ۵۲۳- نذر در مورد کارهایی صحیح است که انجام آن ممکن باشد.

مسألة ۵۲۴- کاری را که انسان نذر می‌کند باید شرعاً مطلوب باشد، بنابراین نذر کار حرام، یا مکروه، یا ترک واجب و مستحب، صحیح نیست.

مسألة ۵۲۵- اگر کسی از روی اختیار به نذر خود عمل نکند گناه کرده و باید کفاره بدهد و کفاره نذر عبارت است از اطعام شصت فقیر، یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن.

احکام قسم

مسألة ۵۲۶- اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را انجام دهد، یا ترک کند، مثلاً سوگند بخورد که دو رکعت نماز بخواند، واجب است به آن عمل کند.

مسأله ۵۲۷- اگر عمداً به سوگندی که خورده است عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از دو چیز است:

الف) سیر کردن ده فقیر.

ب) پوشاندن ده فقیر.

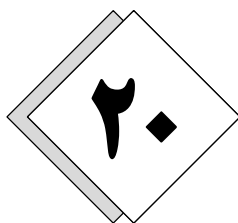
و اگر هیچ کدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۵۲۸- کسی که برای اثبات چیزی قسم می خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است. ولی کفاره ندارد، کفاره در جایی است که چیزی را بر عهده بگیرد و سپس انجام ندهد.

امر به معروف و نهی از منکر

مسألة ۵۲۹- امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ با شرایط زیر واجب است: ۱- کسی که می‌خواهد امر و نهی کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یا ترک واجبی است. ۲- احتمال دهد که امر و نهی او اثر دارد، خواه اثر فوری داشته باشد یا غیر فوری، کامل یا ناقص، بنابراین اگر بداند هیچ اثر نمی‌کند واجب نیست. ۳- در امر و نهی او مفسده و ضرری نباشد، پس اگر بداند یا خوف این باشد که امر یا نهی او، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه نسبت به او یا بعضی از مؤمنین می‌رساند واجب نیست، ولی اگر معروف و منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام اهمیت زیادی به آن می‌دهد (مانند حفظ اسلام و قرآن و استقلال ممالک اسلامی، یا حفظ احکام ضروری اسلام)، باید اعتنا به ضرر نکند و با بذل جان و مال در حفظ آنها بکوشد.

مسألة ۵۳۰- امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب، احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد و بعضی دارد، آنچه احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد همان امر به معروف با زبان و دل و نصیحت کردن یا اعراض و بی اعتنایی و ترک مراوده نمودن است و اگر تأثیر نکرد جایز است با کلمات تند و خشن که خالی از گناه باشد یا با توسل به زور، به این طریق که جلو فرد گنهکار را بگیرد، یا وسایل گناه را از دسترس او خارج سازد، اقدام نماید ولی اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردد در این صورت هیچ کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد، بلکه باید اصل کار و مقدار و اندازه آن طبق ضوابط اسلامی با نظر حاکم شرع تعیین گردد.



سؤال مسقره

مسأله ۱- موسیقی : کلیه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است. و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهمیده متدین، خواهد بود.

مسأله ۲- کف زدن : کف زدن مانعی ندارد، اما در مساجد و حسینیه‌ها ترک شود.

مسأله ۳- رقصیدن : تنها رقص زن و شوهر برای یکدیگر جایز است، و بقیه اشکال دارد، البته منظور رقص لهوی است، نه هرگونه حرکات منظم و موزون.

مسأله ۴- شرکت در مجالس آلوده به گناه: شرکت در مجلس گناه حرام است، ولی چنانچه ضرورت داشته باشد، می‌توانید به مقدار ضرورت شرکت کنید، یا در قسمت‌هایی بنشینید که گناهی صورت

نمی‌گیرد و مجلس گناه صدق نمی‌کند.

مسأله ۵- مجالس شادی مشروع: چنانچه از رقص و موسیقی حرام و کارهای نامشروع دیگر پرهیز شود، و اشعار مناسب خوانده شود، یا نمایش‌های شاد مشروعی داده شود مانعی ندارد. و بسیاری از متدینین در جلسات جشن ازدواج و مانند آن از همین روش استفاده می‌کنند.

مسأله ۶- پاسور، شطرنج و بیلارد: هرگاه آلات مذکور از آلت قمار خارج شده باشد، و در نزد توده مردم محل به عنوان یک وسیله ورزشی یا تفریحی شناخته شود نه ابزار قمار، بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکال ندارد.

مسأله ۷- ریش تراشی: احتیاط در ترک آن است، ولی چنانچه قسمت چانه باقی بماند، که گاه به آن ریش پروفوسوری گفته می‌شود، کافی است. و جوانانی که محاسن آنها به صورت نامنظم روئیده می‌توانند آن را بتراشند تا به صورت کامل درآید.

مسأله ۸- حداقل محاسن: احتیاط آن است که باقیمانده به قدری باشد که صدق ریش بکند.

مسأله ۹- کراوات: با توجه به این که در حال حاضر و در کشور ما، این امر به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می‌شود، از آن اجتناب کنید. ولی در کشورهایی که جزیی از لباس مردم محسوب می‌گردد، پوشیدن آن اشکالی ندارد.

مسأله ۱۰- اصلاح و آرایش زنانه برای مردان: جایز نیست مردان

خود را شبیه زنان کنند، ولی اصلاح جزئی و مرتّب کردن بعضی از قسمت‌ها که منظره خوشایندی ندارد، اشکالی ندارد.

مسأله ۱۱- حجاب مردان: مردان می‌توانند سر و گردن و مقداری از سینه و دست‌ها و پاها را در مقابل نامحرم نپوشانند، ولی بقیه بدن را باید بپوشانند.

مسأله ۱۲- لباس آستین کوتاه: پوشیدن لباس آستین کوتاه در صورتی که تنگ و چسبان نباشد و آستین‌های آن نیز خیلی کوتاه نباشد، اشکالی ندارد.

مسأله ۱۳- طلا برای مردان: زینت به طلا برای مردان به هر رنگی که باشد (حتّی طلای سفید) جایز نیست، ولی استفاده از پلاتین که فلز دیگری است اشکالی ندارد.

مسأله ۱۴- جزّاحی زبایی: در صورتی که آمیخته با حرام یا ضرر مهمّ دیگری نباشد ذاتاً اشکالی ندارد، ولی چنانچه مستلزم حرامی باشد (مانند لمس و نظر حرام) تنها در صورت ضرورت جایز است.

مسأله ۱۵- تغییر جنسیّت: تغییر جنسیّت و ظاهر ساختن جنسیّت واقعی (در افراد دو جنسی که یک جنس آنها غلبه دارد) خلاف شرع نیست؛ بلکه واجب است. ولی تغییر جنسیّت صوری و کاذب جایز نیست.

مسأله ۱۶- ماهواره: با توجّه به این که غالب برنامه‌های آن فاسد است، و اثرات منفی در پی دارد، و در هر خانه‌ای وارد شود غالباً از آن سوء استفاده خواهد شد، استفاده از آن جایز نیست.

مسألة ۱۷- اینترنت: با توجه به اینکه اینترنت قابل استفاده صحیح و ناصحیح است و مطالب خوب و بد دارد، از ابزار مشترک محسوب می‌شود و چنانچه از آن استفاده‌های مشروع کنند اشکالی ندارد و خرید و فروش ابزار آن نیز جایز است.

مسألة ۱۸- کپی رایت: این کار جز با رضایت تولید کنندگان اصلی آن جایز نیست، مگر در صورتی که از کفّار حربی باشند.

مسألة ۱۹- بازدید از سایت‌ها و گرفتن اجرت: چنانچه سایت‌های فاسد و مفسدی نباشد، و متعلّق به کشورهای محارب نظیر اسرائیل و آمریکا نباشد، و مفسده‌ای در پی نداشته باشد، و از بازدیدکنندگان پولی نگیرند، و فقط به آنها جایزه یا حقّ الزحمه‌ای بدهند، اشکالی ندارد.

مسألة ۲۰- چت کردن: این کار با جنس مخالف اشکال دارد، و غالباً پیامدهای منفی به همراه دارد، مگر این که مقدمه از دواج باشد. که در این صورت به مقداری که جهت از دواج لازم است، اشکالی ندارد.

مسألة ۲۱- ساختن مجسمه: ساختن و خرید و فروش مجسمه اشکال دارد، ولی اسباب بازی بچه‌ها اشکالی ندارد.

مسألة ۲۲- بازی و مسابقه: بازی‌ها و مسابقاتی که در آن برد و باخت مالی باشد، حرام است.

مسألة ۲۳- سیگار: استعمال سیگار و تمام انواع دخانیات با توجه به ضررهای فراوان آن، که به تصدیق کارشناسان آگاه رسیده، حرام است.

مسألة ۲۴- گلدکویست: فعالیت مرموز اقتصادی شرکت

گلدکویست و سایر شرکت‌های مشابه داخلی و خارجی مشروع نمی‌باشد، و شبیه نوعی قمار و لاتار است. و شایسته شما عزیزان نیست که آلوده آن شوید. و کسانی که آلوده آن شده‌اند و سودی برده‌اند پول اولیه خود را از آن بر می‌دارند، و بقیه را به صاحبان اصلی آن می‌رسانند. و اگر به آنها دسترسی ندارند، به سایر مالباختگانی که در این طرح شرکت کرده و متضرر شده‌اند می‌دهند. و اگر به آنها هم دسترسی ندارند، به نیت صاحبان اصلی به فقرا صدقه می‌دهند.

مسألة ۲۵- راه توفیق نماز شب و قضا نشدن نماز صبح: چنانچه

شبها غذای سبکتری میل کنند، و از نوشیدنیهای کمتری استفاده نمایند، و زودتر بخوابند، و از ساعت زنگدار و مانند آن استفاده کنند، این توفیق انشاءالله نصیبشان خواهد شد.

مسألة ۲۶- راه حل مشکل جنسی: چنانچه از عوامل تحریک

نظیر فیلم‌ها و کتاب‌ها و مجلات و نشریات فاسد و بدآموز، و مجالس آلوده، و دوستان ناباب، و حتی مناظر تحریک کننده اجتناب ورزند، و اوقات فراغت خود را با مطالعه و کار و مانند آن پر کنند، و بر خداوند توکل نمایند، و هر روز مقداری ورزش کنند، این شاء الله بر هوای نفس و وسوسه‌های شیطان غلبه خواهند کرد.

مسألة ۲۷- تصاویر منتسب به حضرات معصومین علیهم‌السلام: چنانچه

تصاویر نامناسبی نباشد، و نسبت قطعی به آن بزرگواران ندهند، اشکالی ندارد.

مسألة ۲۸- قمه زنی: عزاداری خامس آل عبدالله علیهم‌السلام از مهمترین شعائر

دینی، و رمز بقاء تشییع است، و باید هر چه باشکوه‌تر برگزار گردد. اما لازم است از تمام کارهایی که آسیب به بدن می‌رساند، یا موجب وهن مذهب می‌گردد، جداً اجتناب شود.

مسألة ۲۹- روش حل مشکلات: سعی کنند تمام نمازها، مخصوصاً نماز صبح را اول وقت بجا آورند. و پس از نماز صبح دست راست را بر سینه نهاده، هفتاد مرتبه ذکر «یا فتاح» را تکرار کنند. سپس ۱۱۰ مرتبه صلوات بفرستند، و گاه نیز ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» را تکرار نمایند، و هر روز هر چند به مقدار کمی صدقه دهند. انشاء الله این کار در رفع مشکلات مؤثر است.

مسألة ۳۰- کسانی که مادر آنها سیّده هستند: این افراد از جهاتی حکم سید دارند و از جهاتی ندارند. خمس نمی‌توانند بگیرند و از لباس مخصوص سادات نمی‌توانند استفاده کنند اما از جهاتی شرافت سیادت دارند.

مسألة ۳۱- کتک زدن: اگر انسان به صورت کسی سیلی یا چیز دیگری بزند، بطوری که صورت او سرخ شود، باید ۱/۵ مثقال شرعی طلای سگه‌دار، بدهد و اگر کبود شود، سه مثقال، و اگر سیاه شود شش مثقال، و هر مثقال شرعی ۱۸ نخود است، (۳/۳ مثقال معمولی)؛ و اگر جای دیگر (غیر از صورت) بدن کسی را به واسطه زدن، سرخ یا کبود یا سیاه کند، باید نصف آنچه گفته شد بدهد، البته این موارد در صورتی است که سرخی و کبودی و یا سیاهی سریع از بین نرود.

مسألة ۳۲- کشتن حیوانات مودی: کشتن حیوانی که اذیت

می‌رساند و مال کسی نیست؛ مانند مار و عقرب، اشکال ندارد.

مسأله ۳۳- جبران غیبت: در صورت امکان و عدم مفسده باید از غیبت شونده حلالیت بطلبید، در غیر این صورت لازم است به قدری برای او کارهای خیر انجام دهد تا یقین به رضایت وی حاصل شود.

مسأله ۳۴- استفاده از دفترچه بیمه دیگران: با توجه به اینکه این کار مخالف ضوابط اداره بیمه است و در ابتدا با بیمه شده شرط می‌شود، جایز نیست. هر چند اداره بیمه در ارائه برخی از خدمات خود کوتاهی کند.

مسأله ۳۵- استفاده شخصی از بیت المال: این کار جایز نیست، مگر در مواردی که مقررات اجازه می‌دهد، یا اینکه با اجازه مسئولینی که در این حیطة اختیارات قانونی دارند، بوده باشد.

مسأله ۳۶- تقلب در کنکور و سایر امتحانات: این کار حرام است، جداً از آن توبه نموده، آن را تکرار نکنید، و با اعمال نیک آینده گذشته را جبران نمایید؛ ولی چنانچه در محدوده گسترده‌ای نبوده فعلاً مشکلی ندارد و ادامه کار و مدرک تحصیلی و مانند آن اشکالی ندارد.

مسأله ۳۷- تنبیه بدنی: زدن دانش‌آموزان جایز نیست، مگر اینکه بخاطر تربیت آنها لازم باشد، و با اجازه ولی صورت گیرد، و موجب جراحت و کبودی بدن نشود. و با توجه به اینکه در شرایط فعلی آثار منفی آن بیشتر است، لازم است حتی الامکان از آن صرف‌نظر گردد.

مسأله ۳۸- ردّ مظالم: منظور حقوق الناس قطعی یا احتمالی است که صاحب آن دقیقاً شناخته شده نسیت، که با اجازه حاکم شرع صرف

نیازمندان می‌گردد.

مسألة ۳۹- روش جبران حق الناس: در صورت امکان معادل حقّ او را به دستش برساند، یا به شکلی با هم مصالحه کنند، و اگر این کار ممکن نیست توسط شخص ثالث، یا بوسیله حواله بانکی، یا توسط پست برایش ارسال نماید. و چنانچه به او دسترسی ندارد به نیتش به فقرا صدقه دهد.

مسألة ۴۰- فکر گناه: فکر گناه تا زمانی که منتهی به انجام گناه نشود، گناه محسوب نمی‌شود، ولی بی‌شک آثار نامطلوبی بر روح انسان می‌گذارد.

مسألة ۴۱- لعن و توهین: لازم است از کارهایی که باعث تفرقه صفوف و ایجاد شکاف بین مسلمانان می‌شود خودداری شود، و همه مسلمانان در برابر دشمنان اسلام متحد شوند.

مسألة ۴۲- محدوده نافرمانی از والدین: هرگاه آنها با مسائل مهم و سرنوشت ساز فرزند بدون دلیل کافی مخالفت کنند، جلب رضایت آنها لازم نیست.

مسألة ۴۳- افکار و خیالات شیطانی: این اوهام و خیالات، که بصورت بی‌اختیار به ذهن انسان می‌رسد، گناه محسوب نمی‌شود. و برای دفع آن، مداومت بر ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله العلیّ العظیم» مؤثر است.

مسألة ۴۴- رعایت قوانین: تخلف از قوانین و مقررات حکومت اسلامی جایز نیست.

مسألة ۴۵- پیش‌بینی نتایج فوتبال: در صورتی که از شرکت

کنندگان پولی بگیرند، و به قید قرعه از محل پولهای دریافتی جوایزی به برندگان بپردازند، این کار حرام است.

مسألة ۴۶- هیپنوتیزم: هیپنوتیزم برای مقاصد طبیی و مانند آن مانعی ندارد، ولی برای کشف امور پنهانی، یا خبر از گذشته و آینده و حال جایز نیست.

مسألة ۴۷- سحر و جادو: هر چند سحر و جادو به تصدیق قرآن مجید حقیقت دارد، ولی غالب آنچه را مردم سحر و جادو می دانند اوهام و خیالاتی بیش نیست. برای رفع آن هر روز پنج مرتبه آیه الکرسی را بخوانید و به خود و اطرافیانتان بدمید و هر روز هر چند به مقدار کمی صدقه بدهید و بر خدا توکل کنید.

مسألة ۴۸- علم جفر: با توجه به اینکه علم جفر به طور کامل نزد غیر معصومین نیست، و ناقص آن هم اثر چندانی ندارد، مورد تأیید نمی باشد و به دنبال آن نروید.

مسألة ۴۹- احضار روح: احضار روح و ارتباط با ارواح عقلاً امکان پذیر است، ولی این کار شرعاً جایز نیست و مفسد زیادی به بار می آورد. شرح این مطلب را در کتاب «ارتباط با ارواح» نوشته ایم.

مسألة ۵۰- جن: جن موجودی است ناپیدا و مطابق آنچه در قرآن آمده حقیقت دارد، اما برخلاف پندار بعضی از عوام کاری به انسانها ندارد، و آنچه در افواه مشهور است غالباً زائیده خیالات است. و کسانی که مبتلا به این اوهام هستند لازم است هرگز به آن فکر نکنند و اگر پنج مرتبه در هر روز آیه الکرسی را بخوانند، آرامش بیشتری خواهند داشت.

- مسألة ۵۱-** نگاه به زنان نامحرم در تلویزیون : چنانچه موجب فساد و انحراف نشود، و عکس‌ها برهنه یا نیمه‌عریان نباشد، جایز است.
- مسألة ۵۲-** انرژی درمانی: انرژی درمانی ذاتاً اشکالی ندارد، ولی چنانچه مستلزم امر حرامی باشد جایز نیست.
- مسألة ۵۳-** سپرده‌گذاری در بانک: چنانچه بانکها عقود شرعیّه را در سپرده‌گذاری رعایت بنمایند یا این‌که وکالت مطلقه به مسؤولین بانک داده شود که رعایت این عقود را بنمایند سپرده‌گذاری حلال است.
- مسألة ۵۴-** وام‌گرفتن: وام‌گرفتن از بانکها مانعی ندارد و در صورتی که طبق عقود شرعیّه باشد مبلغ اضافی را که می‌پردازد ربا نیست.
- مسألة ۵۵-** جوایز بانکها: استفاده از جوایز بانکها اشکالی ندارد.

کتابخانه کوزلبرز نمونکی پربرکت مرجع عظیم ایشان

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی)

۱- آغاز پربرکت

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضایل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

۲- حیات علمی

با این که هیچ یک از افراد خانواده معظم له در کسوت روحانیت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طی حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظم له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا باباخان شیراز» آغاز کرد و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر نبوغ فوق العاده‌ای که داشت، مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را در مدتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیه شیراز را

نیز با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت، و گاه در یک روز - علاوه بر درسهایی که خود می‌خواند - هشت جلسه تدریس داشت!

ایشان در ۱۸ سالگی از شیراز وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان الله علیهم بهره گرفتند.

۳- هجرت در جوانی

معظم‌له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم، خوبی، سید عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر - قدس الله اسرارهم - شرکت جستند.

۴- رسم دیرینه حوزه

معظم‌له در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

۵- رجعتی پس از هجرت

معظم‌له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوا گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آورند وارد شد.

۶- حوزه‌ای دیگر، درسی دیگر

حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۵ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضالاست؛ بسیاری از

کتاب مهمّ فقهی را تدریس کرده و به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند. در حال حاضر حوزهٔ درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس حوزه‌های علمیّهٔ شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضالای عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسألهٔ ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

۷- حیات سیاسی

معظم‌له در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»، «مهاباد» و «انارک» تبعید شدند، در تدوین قانون اساسی در خبرگان اول نیز نقش مؤثری داشتند.

۸- خدمات ارزندهٔ معظم‌له:

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزهٔ علمیّهٔ قم نیازمند یک نشریهٔ عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید.

معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریهٔ ماهانهٔ «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزهٔ علمیّهٔ قم تأسیس شده بود، همکاری نمود. این نشریه در جهان شیعه بی‌سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار - در میان مجلات علمی و دینی - در تمام جهان اسلام، جزء درجهٔ اولها بود.

۹- مجموعهٔ تألیفات و آثار:

از معظم‌له یکصد و چهل جلد کتاب منتشر شده که بعضی از آنها بیش از سی‌بار تجدید چاپ گردیده است و بعضی به بیش از ده زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است که به اسامی آنها اشاره می‌شود:

۱. ترجمه شیوا و روان قرآن مجید
 ۲ و ۳. تعلیقات علی عروة الوثقی
 ۴ و ۵. القواعد الفقهيّه
 ۶. انوارالفقاهه (کتاب البيع، ولايه
 الفقيه والحكومة الاسلاميّة)
 ۷. انوارالفقاهه (کتاب التّجارة،
 المکاسب المحرّمة)
 ۸. انوارالفقاهه (کتاب الخمس والانفال)
 ۹. انوارالفقاهه (کتاب الحدود و
 التّعزیرات)
 ۱۰. انوارالفقاهه (کتاب التّکاح ج ۱)
 ۱۱ تا ۱۳. انوارالاصول (مشمّل بر
 تقریرات درس خارج اصول)
 ۱۴. بحوث فقهيّه هامّه
 ۱۵. حکم الاضحیه
 ۱۶ تا ۴۲. تفسير نمونه
 ۴۳ تا ۵۲. تفسير موضوعی پیام قرآن
 ۵۳ تا ۵۴. اخلاق در قرآن
 ۵۵. زهرا، برترین بانوی جهان
 ۵۶. ارتباط با ارواح
 ۵۷. پاسخ به پرسشهای مذهبی
 ۵۸. خطوط اصلی اقتصاد اسلامی
 ۵۹. معاد و جهان پس از مرگ
 ۶۰. حکومت جهانی مهدی(ع)
 ۶۱. پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان
 ۶۲. معمای هستی
 ۶۳. مشکلات جنسی جوانان
۶۴. رساله توضیح المسائل
 ۶۵. رساله احکام بانوان
 ۶۶. مناسک حج
 ۶۷ تا ۶۹. استفتائات جدید
 ۷۰. ربا و بانکداری اسلامی
 ۷۱. مثالهای زیبای قرآن
 ۷۲. یکصد و ده سرمشق از سخنان
 حضرت علی علیه السلام
 ۷۳. چند نکته مهم درباره رؤیت هلال
 ۷۴. آیات ولایت در قرآن
 ۷۵. وهابیت بر سر دو راهی
 ۷۶. شیعه پاسخ می گوید
 ۷۷. سوگندهای پربار قرآن
 ۷۸. عاشورا، ریشه ها، انگیزه ها،
 رویدادها و پیامدها
 ۷۹. مفاتیح نوین
 ۸۰. پیدایش مذاهب
 ۸۱. شیوه همسر داری در خانواده نمونه
 ۸۲. یکصد و پنجاه درس زندگی
 ۸۳ تا ۹۰. پیام امام علیه السلام (شرح نهج البلاغه)
 ۹۱ و ۹۲. ترجمه تفسیر المیزان
 ۹۳. فیلسوف نماها
 ۹۴. مدیریت و فرماندهی در اسلام
 ۹۵. زندگی در پرتو اخلاق
 ۹۶. جلوه حق
 ۹۷. خدا را چگونه بشناسیم؟
 ۹۸. آفریدگار جهان

۹۹. رهبران بزرگ و مسؤولیت‌های بزرگتر مطرح است
۱۰۰. قرآن و آخرین پیامبر
۱۰۱. عقیده یک مسلمان
۱۰۲. ارزشهای فراموش شده
۱۰۳. پایان عمر مارکسیسم
۱۰۴. آخرین فرضیه‌های تکامل
۱۰۵. آیین ما (ترجمه اصل الشیعه)
۱۰۶. سرگرمیهای خطرناک
۱۰۷. نماز مایه تربیت و آرامش
۱۰۸. معراج، شق القمر، عبادت در قطبین
۱۰۹. فلسفه شهادت
۱۱۰. اسرار عقب‌ماندگی شرق
۱۱۱. چهره اسلام در یک بررسی کوتاه
۱۱۲. در جستجوی خدا
۱۱۳. آنچه از اسلام باید بدانیم (اسلام در یک نگاه)
۱۱۴. بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم
۱۱۵. قرآن و حدیث
۱۱۶. تقلید یا تحقیق
۱۱۷. خمس پشتوانه استقلال بیت‌المال
۱۱۸. مسأله انتظار
۱۱۹. تفسیر به رأی
۱۲۰. تقیه سپری برای مبارزه عمیقتر
۱۲۱. این مسائل برای همه جوانان
۱۲۲. اسلام و آزادی بردگان
۱۲۳. طرح حکومت اسلامی
۱۲۴. رساله مقدمه وحی یا...
۱۲۵. التقاط و التقاطیها
۱۲۶. مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام)
- ۱۲۷ و ۱۲۸. اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه
۱۲۹. رساله احکام جوانان
۱۳۰. انوار هدایت
۱۳۱. بررسی طرز فرار از ربا
۱۳۲. یادآوری‌های ماندگار
۱۳۳. جامعه سالم در پرتو اخلاق
۱۳۴. مناسک عمره مفرده
۱۳۵. مناسک جامع حج
۱۳۶. جوانان را دریابید
۱۳۷. حسیله‌های شـرعی و چاره‌جویی‌های صحیح
۱۳۸. تعزیر و گستره آن
۱۳۹. نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان.
- * کتب ردیف ۱۶ تا ۹۰ به عربی ترجمه شده است.
- وَفَقَّهَ اللهُ لِمَرْضَاتِهِ وَآيَدَهُ اللهُ بِتَأْيِيدَاتِهِ
- ناشر

آدرس و شماره تلفن دفاتر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)
جهت پاسخگویی به مسائل شرعی

قم: ابتدای خیابان شهدا تلفن: ۱۳-۷۷۴۳۱۱۰ (خط ۷) دورنگار: ۷۷۴۹۱۸۴، ۷۷۴۳۱۱۴

تهران:

* میدان شهدا، خیابان مجاهدین اسلام، نبش کوچه شهید کاظمی، پلاک ۳، طبقه اول،

تلفن: ۳-۷۷۶۵۳۲۵۰-۲، ۷۷۵۱۲۲۴۱-۹، ۷۷۶۳۸۸۸۸-۷۷۶۰۹۶۹۷، دورنگار: ۷۷۶۵۳۲۵۴

* خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای بزرگراه شهید محلاتی، ضلع جنوبی، پلاک ۳۰۴

تلفن: ۷۰-۳۳۰۲۶۰۶۶ دورنگار: ۳۳۰۲۶۰۷۰

* خیابان پاسداران، بالاتر از سه راه ضرابخانه، نبش دشتستان ۶، ساختمان آفتاب، پلاک ۱۵۰،

طبقه همکف، واحد ۱ تلفن ویژه: ۲۳۰۴۰ (خط ۳۰) دورنگار: ۲۲۸۶۳۴۸۷

شیراز: خیابان قانچی کهنه، کوی ۱۶ تلفن: ۲۳۰۳۱۲۱ (خط ۶) دورنگار: ۲۳۰۷۴۲۱

مشهد: چهارراه شهدا، خیابان آزادی، آزادی ۶ تلفن: ۲۲۲۷۸۷۹، ۲۲۵۶۱۶۸، ۲۲۴۱۴۵۱

دورنگار: ۲۲۵۴۹۷۰

اصفهان: حد فاصل بیمارستان امیرالمؤمنین و چهارراه شکرشکن، خیابان احمدآباد، خیابان شهید

توانا، پلاک ۱۰۵ تلفن: ۱-۲۲۵۳۶۰۰، ۲۲۶۵۲۰۵ دورنگار: ۲۲۶۵۲۰۵

تبریز: خیابان شهید مطهری (راسته کوچه)، نبش ۱۲ متری مسجد جامع، پلاک ۲۱

تلفن: ۵-۵۲۵۹۲۴۴، ۵۲۴۶۵۹۴ دورنگار: ۵۲۵۹۲۴۵

کرج: بلوار امامزاده حسن، بین گلستان سوم و چهارم. تلفن: ۲۲۴۳۹۳۸، ۲۲۳۱۰۳۳

دورنگار: ۲۲۳۱۰۳۴

اراک: خیابان شیخ فضل الله نوری، روبروی پارک شهر، نبش کوچه ملت ۲، تلفن: ۱۱-۲۲۱۳۱۱۰،

۲۲۱۳۱۳۵ دورنگار: ۲۲۲۴۴۱۵

بابل: خیابان آیت الله روحانی، کوچه هادی ۹ (مقابل امامزاده قاسم) پلاک ۲۰، تلفن: ۲-۲۲۰۶۰۶۱،

۲۲۰۲۳۰۸ دورنگار: ۲۲۹۱۹۷۷

اهواز: خیابان نادری، روبروی ترمینال باهنر، خیابان شهید کرمی خراط (احمدی)، پلاک ۱۴،

تلفن: ۲۹۲۳۳۳۰، ۲۹۲۳۳۲۰، ۲۹۲۳۳۱۰ دورنگار: ۲۹۲۲۶۲۶

نیشابور: چهارراه انقلاب، خیابان فردوسی شمالی، کوچه شماره ۱، پلاک ۵۷ و ۵۹. تلفن: ۲۲۲۹۸۱۳

دورنگار: ۲۲۴۴۸۰۳

www.makarem.ir

E-mail: makarem@makarem.ir